

# انوارِ ہدایت

چهل حدیث معتبر از مولانا و حکمت

بہ سعید

مستوفیہ امام حسین علیہ السلام

پسرانِ نبویؐ

تہذیب و تنظیم

مؤسسہ ریحانہ المعارف اسلامیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انوار هدايت، چهل حديث معتبر در موعظه و حكمت: به ضميمه صحيفه امام سجاد عليه السلام پيرامون زهد

نويسنده:

موسسه پيام امام هادي عليه السلام

ناشر چاپي:

موسسه پيام امام هادي ( عليه السلام )

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۵  | فهرست   |
| ۷  | انوار هدايت، چهل حديث معتبر در موعظه و حكمت: به ضميمه صحيفه امام سجاد عليه السلام پيرامون زهد |
| ۷  | مشخصات كتاب   |
| ۸  | مقدمه   |
| ۱۵ | راويان حديث   |
| ۱۶ | عامل بي بصيرت   |
| ۱۸ | فضيلت مرگب عالمان   |
| ۲۰ | سه گروه سزاوار ترخُمند  |
| ۲۲ | همه خيرها در سه خصلت است  |
| ۲۴ | همه خيرها در چهار سخن   |
| ۲۶ | انفاق در راه خدا و كيفر كسي كه انفاق نمي كند  |
| ۲۸ | چهار چيز تباه مي شود  |
| ۳۰ | احسان به پدر و مادر   |
| ۳۴ | گشاده دستي بر خانواده   |
| ۳۶ | حقوق مؤمن بر مؤمن   |
| ۳۸ | پرهيز از سخن بيهوده   |
| ۴۰ | پاداش خويشتن داري   |
| ۴۲ | نيرومندترين مردم كيست ؟   |
| ۴۴ | بازداشتن زبان از مردم   |
| ۴۶ | شگفت از كسي كه نگران چهار چيز است...!   |
| ۵۲ | سزاوارترين مردم به نيايش  |
| ۵۴ | به آنچه اميد نداري اميدوارتر باش  |
| ۵۶ | بيم و اميد  |
| ۵۸ | نتيجه اطاعت و عصيان   |

- ۶۰ ..... از خدا شکوه مکن
- ۶۲ ..... پرهیز از درگیری
- ۶۳ ..... حرص بنی آدم
- ۶۴ ..... حرص آدمیزاد
- ۶۶ ..... سپاس خدا از جعفر بن ابی طالب
- ۷۰ ..... نکوهش آبجو و شطرنج
- ۷۴ ..... مؤمن حق ندارد خود را خوار کند
- ۷۵ ..... چگونه مؤمن خود را ذلیل می کند؟
- ۷۶ ..... هیچ ملتی سرافراز نشد مگر...
- ۷۸ ..... مبعوضترین مردم نزد خدا
- ۸۰ ..... سه چیز فخر مؤمن است
- ۸۲ ..... ولایت علی علیه السلام ولایت خداست
- ۸۶ ..... گفتاری حکیمانه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۹۶ ..... از وصیتهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام
- ۱۰۰ ..... اندرزهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۰۶ ..... محبوبترین شما نزد خدا
- ۱۰۸ ..... گفتارهایی حکیمانه از امام صادق علیه السلام
- ۱۱۲ ..... مرا پندی بیاموز
- ۱۱۶ ..... اندرزهایی از امام صادق علیه السلام
- ۱۲۰ ..... پنجهایی دیگر از امام صادق علیه السلام
- ۱۲۴ ..... کوشا باش
- ۱۲۶ ..... صحیفه ای از امام سجّاد علیه السلام پیرامون زهد
- ۱۳۹ ..... منابع و مأخذ
- ۱۴۰ ..... درباره مرکز

## انوار هدایت، چهل حدیث معتبر در موعظه و حکمت: به ضمیمه صحیفه امام سجاد علیه السلام پیرامون زهد

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: انوار هدایت، چهل حدیث معتبر در موعظه و حکمت: به ضمیمه صحیفه امام سجاد علیه السلام پیرامون زهد / تهیه و تنظیم موسسه پیام امام هادی علیه السلام.

مشخصات نشر: قم: موسسه پیام امام هادی (ع)، ۱۳۷۷ = ۱۴۱۹ ق.

مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص؛ ۱۱ × ۲۱ س م.

شابک: ۲۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۹۰۰۶۹-۳-۱؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۴۰۰۰ ریال (چاپ چهارم)؛ ۶۵۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۱۳۰۰۰ ریال (چاپ ششم)؛ ۱۹۰۰۰ ریال (چاپ هفتم)

یادداشت: فارسی - عربی

یادداشت: چاپ سوم: تابستان ۱۳۷۹.

یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ پنجم: زمستان ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ ششم: بهار ۱۳۸۸.

یادداشت: چاپ هفتم: ۱۳۸۹.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۳۲]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: چهل حدیث معتبر در موعظه و حکمت

موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. -- کلمات قصار

موضوع: احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: اربعینات -- قرن ۱۴

موضوع: زهد -- احادیث

شناسه افزوده: موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره: BP۲۴۸/الف ۱۳۷۷۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۷۷۳۰

ص: ۱

**مقدمه**





اهداء

به:

باب هدايت

خازن حكمت

عالم به تأويل

ولّى ناصح

نور الانوار

حبل الله

حبيب الله حضرت امام ابوالحسن على النقى الهادى عليه السلام

اميد است مورد قبول حضرتش قرار گيرد.

مؤسسة پیام امام هادى عليه السلام

ص: ۳



الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله المعصومين سيما مولانا الحجة بن الحسن العسكري عجل الله تعالى فرجه الشريف

غبار دل را با زلال مواعظ باید زدود و باب سعادت را با اندرز و حکمت باید گشود.

اما هر موعظه ای اثر نمی بخشد و هر نصیحتی دل رمیده را رام نمی کند و هر ناصحی خیر و صلاح انسان را نمی داند.

در این مسیر چه کسی از صاحب خلق عظیم و اسوه رفتار کریم و آل او برای دستگیری درماندگان و هدایت ره گم کردگان اولی است.

نوشتار حاضر مجموعه چهل درّ گرانمایه و سخن

ص: ۵

حکمت آمیز، هدایت و اندرز است از این رهبران دلسوز و مهربان که به سود و زیان واقعی ما آگاهند و جز سعادت بنی آدم هدفی ندارند.

در جمع این احادیث اعتبار آنها از نظر دانشمندان و حدیث شناسان مورد نظر بوده تا سخنگویان با اطمینان آنها را باز گویند و خوانندگان با اطمینان خاطر بپذیرند. از این رو نظر علامه مجلسی اوّل یا دوّم - رحمه الله علیهما - را در مورد اعتبار هر حدیث در پاورقی آورده ایم.

و برای سهولت فهم و امکان استفاده عموم، ترجمه فارسی به آن افزوده ایم.

خداوند متعال توفیق پندپذیری به همگان عنایت فرماید.

مؤسسه پیام امام هادی علیه السلام

ص: ۶

١ - الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ الْعُمَرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ،

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي - ثَلَاثًا.

قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟

قَالَ: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي، ثُمَّ يُعَلِّمُونَهَا أُمَّتِي. (١)

ص: ٧

---

١- (١) - الأُمالي، ص ٢٤٧، المجلس ٣٤، ح ٤/٢٦٦؛ و بطريقتين آخرين في عيون اخبار الرضا، ج ٢، ص ٣٦، ح ٩٤، و معاني الأخبار، ص ٣٧٤، ح ١ و مرسلاً في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٢٠، ح ٥٩١٩. و في الأخيرين: «الذين يأتون ل لا من بعدى، يروون حديثي و سنتي» بدل ذيله وكذا العيون بزياده: «فيعلمونها الناس من بعدى». و قال المجلسي الأول رحمه الله: رواه المصنف بطرق معتبره في الأُمالي و العيون (روضه المتقين، ج ١٣، ص ٢٧٥).

حضرت علی علیه السلام از رسول خدا نقل فرمود که: سه بار فرمودند: بارِ اِلهَا! جانشینان مرا رحم کن.

عرض شد: ای رسول خدا! جانشینان شما کیانند؟

فرمود: آنان که سخن و سنت من به ایشان می رسد، سپس آنها را به امتم می آموزند. (۱)

ص: ۸

---

۱- (۱) - امام خمینی قدس سره در توضیح این حدیث می فرماید منظور از روایان عالم و مجتهدی مثل کلینی (رحمه الله) و صدوقین (رحمه الله) می باشند که بتوانند سنت رسول الله (ص) را با قدرت علمی و اجتهاد بفهمند و به مردم یاد دهند نه هر راوی حدیث مراجعه شود به کتاب البیع تألیف امام خمینی قدس سره ج ۲ ص ۴۶۹.

حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ، وَلَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا. (۱)

### عامل بی بصیرت

طلحه بن زید گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: آن کس که بی بصیرت عمل می کند، همچون کسی است که بیراهه می رود، و تندروی او جز دوری از راهش نمی افزاید.

ص: ۹

---

۱- (۱) - الأمالی، ص ۵۰۷، المجلس ۶۵، ح ۱۸/۷۰۵، الکافی ج ۱، ص ۴۳، ح ۱. و رواه فی من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۱، ح ۵۸۶۴ عن محمد بن سنان. و الحدیث قوی علی ما قاله المجلسی الأول رحمه الله (روضه المتّقین، ج ۱۳، ص ۱۴۸).

٣ - جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسِيرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُدْرِكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّاسَ فِيهِ صِيحَّةٌ وَاحِدَةٌ، وَوَضَعَتِ الْمَوَازِينُ؛ فَتَوَزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ، فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ. (١)

ص: ١٠

١- (١) - الأُمالي، ص ٢٣٣، المجلس ٣٢، ح ١/٢٤٥. و رواه في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٨، ح ٥٨٥٣، عن المعلى بن محمد البصري. والحديث قوى على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٠٧).



امام صادق علیه السلام فرمود: چون روز قیامت فرا رسد خدای سبحان مردم را در یک عرصه بلند گرد آورد، و ترازوها نهاده شوند، و خونهای شهدا با مداد (مرگب قلم) علماء سنجیده گردد، پس مداد علما بر خون شهدا برتری یابد.

ثلاثة حق لهم أن يُرحموا

٤ - الصدوق رحمه الله قال:

خَدَّثَنَا أَبُو رَحْمَةَ اللَّهِ، قَالَ: خَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: خَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ، عَنْ أَبِي بَانَ وَغَيْرِهِ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّهُ لَأَرْحَمُ ثَلَاثَةً، وَحَقُّ لَهُمْ أَنْ يُرْحَمُوا:

عَزَلُوا قَوْمَ أَصَابَتَهُ مَذَلَّةَ بَعْدَ الْعِزِّ، وَغَنَى أَصَابَتَهُ حَاجَةَ بَعْدَ الْغِنَى، وَعَالِمٌ يَسْتَحِفُّ بِهِ أَهْلُهُ وَالْجَهْلَةُ. (١)

ص: ١٢

---

١- (١) - الأمالي، ص ٦٢، المجلس ٢، ح ٨/٢٢؛ و بسند آخر في الخصال، باب الثلاثة، ص ٨٦، ح ١٨؛ و رواه مرسلاً في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٤، ح ٥٨٣٧، و قال المجلسي الأول رحمه الله: رواه المصنف في الصحيح عن ابن أبي عمير، عن أبان و غيره، عن أبي عبد الله عليه السلام (روضه المتقين، ج ١٣، ص ٩٧).

## سه گروه سزاوار ترخُمند

امام صادق علیه السلام فرمود: من به سه کس رحم می کنم، و سزاوارند که رحم شوند:

عزیزی که پس از عزّت، خواری به او رسیده است.

و دارایی که پس از بی نیازی، نیازمندی به او روآورده است.

و عالمی که خاندان او و نادانان، او را خوار بشمرند.

ص: ۱۳

٥ - مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ أَهْلُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ: النَّظَرُ، وَالسُّكُوتُ، وَالْكَلامُ.

فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ.

وَ كُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ.

وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَعْوٌ.

فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ نَظَرُهُ عِبْرَةً، وَ سُكُوتُهُ فِكْرًا، وَ كَلَامُهُ ذِكْرًا، وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ، وَ آمَنَ النَّاسُ شَرَّهُ. (١)

ص: ١٤

١- (١) - الخصال، باب الثلاثة، ص ٩٨، ح ٤٧. و رواه أيضاً في معاني الأخبار، ل لا- ص ٣٤٤، ح ١ عن أبيه، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عيسى.... و رواه مرسلأفي من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٥، ح ٥٨٧٦. و قال المجلسي الأول رحمه الله: رواه المصنّف في الصّحيح عن أبي حمزه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام (روضه المتّقين، ج ١٣، ص ١٦٤).

## همه خیرها در سه خصلت است

امام باقر علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل فرمودند که: همه خیرها در سه خصلت جمع شده است: نگاه، سکوت و سخن.

هر نگاهی که در آن عبرت گیری (و پندآموزی) نباشد سهو (و آشفتگی) است.

و هر سکوتی که در آن اندیشه نباشد غفلت (و بی خبری) است.

و هر سخنی که در آن یاد خدا نباشد لغو (و بیهودگی) است.

پس خوشا به حال کسی که نگاهش عبرت، و سکوتش اندیشه، و سخنش یاد خداست، و بر لغزش خود می‌گرید و مردم از شر او در امانند.

ص: ۱۵

الخير كله في أربع

٦- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا آدَمُ! إِنَّهُ أَجْمَعُ لَكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ:

وَاحِدَةً لِي، وَوَاحِدَةً لَكَ، وَوَاحِدَةً فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَكَ، وَوَاحِدَةً فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ.

فَأَمَّا التَّهَى لِي: فَتَعْبُدْنِي [وَأَلَّا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا].

وَ أَمَّا التَّهَى لَكَ: فَأُجَازِيكَ بِعَمَلِكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ.

وَ أَمَّا التَّهَى فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَكَ: فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ، وَعَلَى الْإِجَابَةِ.

وَ أَمَّا التَّهَى بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ: فَتَرْضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ. (١)

ص: ١٦

١- (١) - من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٥، ح ٥٨٧٧، وقال المجلسي الأول رحمه الله: ل لا رواه المصنف في القوي عن يعقوب بن شعيب، عن أبي عبد الله عليه السلام (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٦٦). و رواه مسنداً في الخصال، ص ٢٤٣، باب الأربعة، ح ٩٨. و رواه بسند آخر في الأمالي، ص ٧٠٦، المجلس ٨٩، ح ١/٩٦٩، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام.

## همه خیرها در چهار سخن

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای سبحان به آدم علیه السلام وحی فرمود: ای آدم! من همه خیرها را در چهار کلمه برایت جمع کرده ام: یکی برای من، دیگری برای تو، سومی میان من و تو، و چهارمی میان تو و مردم است.

اما آنچه برای من است این است که: مرا پرستی و هیچ چیز را شریکم نسازی.

و آنچه برای توست این است که: پاداش عمل تو را در نیازمندترین حالاتت بپردازم.

و آنچه میان من و توست این است که: تو وظیفه دعا داری و من وظیفه اجابت.

و آنچه میان تو و مردم است این است که: برای مردم همان را بپسندی که برای خود می پسندی.

الإِنْفَاقُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَجِزَاءِ مَنْ لَمْ يُنْفِقْ

٧ - يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمَيْمَنِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَقُولُ:

أَنْفَقَ وَ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ؛ وَ اعْلَمَ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُنْفِقْ فِيهِ طَاعَةَ اللَّهِ، ابْتُلِيَ بِأَنْ يُنْفِقَ فِيهِ مَعْصِيَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

وَ مَنْ لَمْ يَمْشِ فِيهِ حَاجَهُ وَلِيِّ اللَّهِ، ابْتُلِيَ بِأَنْ يَمْشِيَ فِيهِ حَاجَهُ عَدُوِّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (١)

ص: ١٨

---

١- (١) - من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٢، ح ٥٨٩٩. و الحديث موثق على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ٢١٦).



## انفاق در راه خدا و کیفر کسی که انفاق نمی کند

حسین بن ابوحزمه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

انفاق کن، و به جایگزینی آن یقین داشته باش. و بدان! کسی که در [راه] اطاعت خدا انفاق نکند، گرفتار می شود که در [راه] معصیت خدا هزینه کند.

و هر کس که در پی [برآوردن] نیازمندی دوست خدا نرود، گرفتار می شود که در [برآوردن] نیازمندی دشمن خدا برود.

ص: ۱۹

أَرْبَعٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا

٨ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ:  
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ:

أَرْبَعٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا:

مَوَدَّةٌ تُنَمَّحُ مَنْ لَا وِفَاءَ لَهُ.

وَمَعْرُوفٌ يُوَضَعُ عِنْدَ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ.

وَعِلْمٌ يُعَلِّمُ مَنْ لَا يَسْتَمِعُ لَهُ.

وَسِرٌّ يُودَعُ مَنْ لَا حِصَانَةَ لَهُ. (١)

ص: ٢٠

---

١- (١) من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ٤١٧ ح ٥٩٠٧ و روى مثله في الخصال ص ٢٦٤ باب الاربعه ح ١٤٤ عن درست بن أبى منصور الواسطى عنه (ع) والحديث حسن كالصحيح عتى ما قاله المجلسى الاول رحمه الله (روضه المتقين ج ١٣ ص ٢٢٩).

## چهار چیز تباه می شود

امام صادق علیه السلام فرمود:

چهار چیز [ضایع گشته] و به هدر می رود:

محبتی که نثار شخصی بی وفا می شود.

نیکي و احسان ارزانی شده به کسی که سپاسش نگوید.

دانشی که آموخته شود به شخصی که به آن گوش فرا ندهد.

و سری که سپرده شود به کسی که رازدار نیست.

ص: ۲۱

٩ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَسَى، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ، جَمَعَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي وَالِدِ الْحَنَاطِ، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ:

«وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (١)؛ مَا هَذَا الْإِحْسَانُ؟

فَقَالَ: الْإِحْسَانُ: أَنْ تُحْسِنَ صِيحْبَهُمَا، وَ أَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ مُسْتَتَعِبَيْنِ؛ أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (٢).

قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

ص: ٢٢

١- (١) - الإسراء: ٢٣.

٢- (٢) - آل عمران: ٩٢.

## احسان به پدر و مادر

أبو ولاد حنّاط گوید: از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمودهٔ خدای سبحان: «و به پدر و مادر احسان کنید» پرسیدم که: مراد از این احسان چیست؟

فرمودند: احسان این است که: رفتار با آنان را نیکو کنی، و زحمت درخواست نیازمندیهایشان را به ایشان ندهی هر چند خود توانگر باشی، آیا خدای سبحان نمی فرماید: «هرگز به [درجهٔ] نیکوکاری نمی رسید مگر از آنچه خود دارید انفاق کنید».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۲۳

وَ أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّمَا يَنْتُظَرُ عِنْدَكَ الْكَبِيرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا» (١):

قَالَ: إِنْ أَضَجَرَكَ، فَلَا تَقُلْ لَهُمَا: أُفٍّ؛ وَلَا تَنْهَرُهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ.

قَالَ: «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (٢):

قَالَ: إِنْ ضَرَبَاكَ فَقُلْ لَهُمَا: غَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا. فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ.

قَالَ: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» (٣):

قَالَ: لَا تَمَلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةِ وَرَقِهِ؛ وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا، وَلَا يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا؛ وَلَا تُقَدِّمَ قَدَامَهُمَا.

(٤)

ص: ٢٤

١- (١) - الإسراء: ٢٣.

٢- (٢) - الإسراء: ٢٣.

٣- (٣) - الإسراء: ٢٤.

٤- (٤) - الكافي، ج ٢، ص ١٥٧، ح ١. و رواه الصَّيِّدُوقُ، فِي مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ٤، ص ٤٠٧، ح ٥٨٨٣ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجُوبٍ عَنْ أَبِي وَوَادِ الْحَنَاطِ. وَ الْحَدِيثُ صَحِيحٌ عَلَى مَا قَالَهُ الْمَجْلِسِيُّ الْأَوَّلُ رَحِمَهُ اللَّهُ (رَوَاهُ الْمُتَّقِينَ، ج ١٣، ص ١٨٥).

و امّیا [پیرامون] فرموده خدای متعال که: «اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتّی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن»:

فرمود: اگر تو را به ستوه آوردند، به ایشان [حتّی] اوف مگو؛ و اگر تو را زدند به ایشان [حتّی] پرخاش مکن.

و پیرامون [آیه شریفه] «و با آنها سخنی کریمانه بگوی» فرمود:

چون تو را زدند به ایشان بگو: خدا شما را بیامرزد، که این سخن از تو گفتار کریمانه خواهد بود.

و پیرامون [آیه] «و از سر مهربانی؛ بال فروتنی بر آنان بگستر» فرمود: دیدگان خود را در نگاه به آن دو جز با مهربانی و دلسوزی پر مکن، و صدای خود را از صدای آنان، و نیز دست خود را از دست آنان بالاتر نبر، و جلوتر از آنان راه مرو.

١٠ - مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ الْكُوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَهْلٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ:

قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

إِنَّ عِيَالَ الرَّجُلِ أُسْرَاؤُهُ؛ فَمَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً، فَلْيُوسِّعْ عَلَى أُسْرَائِهِ؛ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَوْشَكَ أَنْ تَزُولَ عَنْهُ تِلْكَ النِّعْمَةُ. (١)

ص: ٢٦

---

١- (١) - الأماي، ص ٥٢٦، المجلس ٦٨، ح ٣/٧١٢. و رواه في من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٦، ح ٤٩١٣ مرسلًا، و في ج ٤، ص ٤٠٢، ح ٥٨٦٧ عن جعفر بن محمد بن مالك الفزاري الكوفي. والحديث قوي على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٤٩).



## گشاده دستی بر خانواده

مسعده بن صدقه گوید: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود:

خانوادهٔ مرد، اسیران اویند، پس هر کس که خدا نعمتی بر او داد باید بر اسیران خود گشایش دهد، و اگر انجام ندهد بیم آن می رود که نعمت از دستش بیرون رود.

ص: ۲۷

١١ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ ابْنِ صَدَقَةَ:  
عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:  
لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةٌ حُقُوقٌ وَاجِبَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ:

الْإِجْلَالُ لَهُ فِيهِ عَيْنُهُ، وَالْوُدُّ لَهُ فِيهِ صَدْرُهُ، وَالْمُؤَاسَاةُ لَهُ فِيهِ مَالُهُ، وَ أَنْ يُحَرَّمَ غَيْبَتُهُ، وَ أَنْ يَعُودَهُ فِيهِ مَرَضِهِ وَ أَنْ يُشَيِّعَ جِنَازَتَهُ، وَ أَنْ  
لَا يَقُولَ فِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَّا خَيْرًا. (١)

ص: ٢٨

---

١- (١) - الأُمالي، ص ٨٤، المجلس ٩، ح ٢/٥١. و رواه في الخصال، ص ٣٥١، باب ل لا السبعة، ح ٢٧. عن أبيه، عن عبد الله بن جعفر الحميري... و في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٨، ح ٥٨٥٠، عن مسعدة بن صدقة. والحديث قوى كالصحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٠٥).

## حقوق مؤمن بر مؤمن

امام صادق از پدر [بزرگوار] خود، از پدران [بزرگوار] خود، از امیرمؤمنان علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود که: مؤمن بر مؤمن، هفت حق واجب دارد:

در دیده اش او را بزرگ شمارد، در سینه اش او را دوست بدارد، در مالش با او برابری کند، غیبت او را حرام بداند (و پشت سرش او را پاس بدارد)، در بیماریش به عیادتش رود، جنازه اش را تشییع کند، و پس از مرگش جز نیک دربارہ اش نگوید.

ص: ۲۹

١٢ - عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الدَّقَاقُ رحمه الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الرُّوْيَانِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ، قَالَ:

سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ:

مَرَّ أَهْلُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَجُلٍ يَتَكَلَّمُ بِفُضُولِ الْكَلَامِ، فَوَقَفَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ:

إِنَّكَ تُمَلِّهُ عَلِيٌّ حَافِظِيكَ كِتَابًا إِلَى رَبِّكَ؛ فَتَكَلِّمُ بِمَا يَعْهَدُكَ، وَدَعُ مَا لَا يَعْهَدُكَ. (١)

---

١- (١) - الأُمالي، ص ٨٥، المجلس ٩، ح ٤/٥٣؛ و رواه مرسلاً في الإعتقادات، ص ٤٦، ل لا- باب الإعتقاد فيما يكتب على العبد، و في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٦، ح ٥٨٤١؛ و قال المجلسي الأول رحمه الله: رواه المصنف في القوي كالصحيح عن سليمان بن جعفر الجعفري، عن أبي الحسن عليه السلام (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٠٢).

## پرهیز از سخن بیهوده

سلیمان بن جعفر گوید: از موسی بن جعفر علیهما السلام شنیدم فرمود: پدرم از پدر خود، از امام سجاد، از سیدالشهداء حسین بن علی علیهم السلام نقل فرمودند: که فرمود:

[روزی] عبور امیرمؤمنان علیه السلام بر مردی افتاد که سخنان بیهوده می گفت، پس ایستاد و فرمود: تو بر دو فرشته نگهبانت نامه ای به پروردگار خود املاء می کنی، پس به آنچه برایت مهم و مفید است سخن بگو، و سخنان بیهوده را رها کن.

ص: ۳۱

جزاء من ملك نفسه

١٣ - الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ نَاتَانَةَ رَحِمَهُ اللهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ، عَنْ أَهْلِهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ غَالِبِ بْنِ عُمَانَ، عَنْ شُعَيْبِ الْعُقْرُقُوفِيِّ:

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ:

مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ، وَ إِذَا رَهَبَ، وَ إِذَا اشْتَهَى، وَ إِذَا غَضِبَ، وَ إِذَا رَضِيَ، حَرَّمَ اللهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ. (١)

ص: ٣٢

---

١- (١) - الأُمالي، ص ٤٠٨، المجلس ٥٣، ح ٧/٥٢٧؛ و بطريق آخر: ثواب الاعمال، ص ١٩٢، ح ١. و رواه في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٠، ح ٥٨٦٠ عن ابن فضال. و الحديث موثق كالصحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٤٦).

شعیب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: هر کس که [در این احوال پنجگانه] زمام اختیار خود را داشته باشد: «آنگاه که آرزو کند، و آنگاه که بیمناک شود، و آنگاه که هوس کند، و آنگاه که خشم بورزد، و آنگاه که خشنود شود» خداوند جسد او را بر آتش حرام گرداند.

مَنْ أَشَدَّ النَّاسِ وَأَقْوَاهِمُ

١٤ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ ابْنُ يَحْيَى الْخَزَّازُ، عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ:

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ:

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِقَوْمٍ يَزْبَعُونَ حَجْرًا.

قَالَ: مَا هَذَا؟

قَالُوا: نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَأَقْوَانَا.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ وَأَقْوَاكُمْ؟

ص: ٣٤



## نیرومندترین مردم کیست؟

امام صادق از پدر [بزرگوار] خود، از جدّ [بزرگوار] خود علیهم السلام نقل فرموده که: گذار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر جمعی افتاد که [به نوبت] سنگی را برای زورآزمایی بلند می کردند. فرمود: این چیست [که انجام می دهید]؟

عرض کردند: ما بدینوسیله شجاعتترین و نیرومندترین خود را می شناسیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا شجاعتترین و نیرومندترین شما را به شما نشاناسانم؟

ص: ۳۵

قَالُوا: بَلَىٰ، يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: أَشَدُّكُمْ وَأَقْوَامُكُمْ: الَّذِينَ إِذَا رَضِيَ، لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِيهِ إِثْمٌ وَلَا بَاطِلًا؛

وَإِذَا سَخِطَ، لَمْ يُخْرِجْهُ سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ؛

وَإِذَا قَدَرَ، لَمْ يَعْطَا مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقِّهِ. (۱)

عرض کردند: چرا ای رسول خدا.

فرمود: شجاعترین و نیرومندترین شما کسی است که چون خشنود شود، خشنودیش او را در گناه و باطل در نیاورد؛

و چون خشمگین شود خشمش او را از گفتار حق بیرون نبرد؛

و چون توانمند گردد به آنچه حق او نیست دست نیفکند.

ص: ۳۶

---

۱- (۱) الامالی ص ۷۲ المجلس ۶ ح ۳/۴۰ و معانی الأخبار ص ۳۶۶ ح ۱ و وراه مرسلا فی من لا یحضره الفقیح ج ۴ ص ۴۰۷ ح ۵۸۸۲ و فيه يتشاء لون بدل يربعون والحديث موثق على ما المجلسی الاول (رحمه الله) روضه المتقين ج ۱۳ ص ۱۸۲.

كَفَّ اللِّسَانَ عَنِ النَّاسِ

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

مَا أَيْسَرَ مَا رَضِيَ بِهِ النَّاسُ عَنْكُمْ: كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنْهُمْ. (۱)

### بازداشتن زبان از مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: چه آسان است [تحصیل] آنچه با آن مردم از شما راضی شوند! [و آن این است که]: زبان های خود را از ایشان باز دارید.

ص: ۳۷

---

۱- (۱) - الکافی، ج ۸، ص ۳۴۱، ح ۵۳۷. و الحدیث حسن. کذا قال المجلسی رحمه الله (مرآة العُقُول، ج ۲۶، ص ۵۰۱).

العجب لمن فزع من أربع...!

١٦ - جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ ابْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَايِخِنَا - مِنْهُمْ:

أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ، وَهَشَامُ بْنُ سَالِمٍ، وَمُحَمَّدُ بْنُ حُمْرَانَ:

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: عَجِبْتُ لِمَنْ فَرَعَ مِنْ أَرْبَعٍ، كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى أَرْبَعٍ:

عَجِبْتُ لِمَنْ خَافَ الْعَيْدَ، كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (١)؛ فَإِنَّهُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمِهِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمِيَسْسُهُمْ سُوءٌ» (٢).

ص: ٣٨

١- (١) - آل عمران: ١٧٣.

٢- (٢) - آل عمران: ١٧٤.

## شگفت از کسی که نگران چهار چیز است...!

امام صادق علیه السلام فرمود: در شگفتم از کسی که از چهار چیز نگران است، چگونه به چهار چیز پناه نمی برد:

در شگفتم از کسی که از دشمن می ترسد، چگونه به فرموده خدای متعال پناه نمی برد که: «حسبنا الله و نعم الوکیل»: «خدا ما را بس، و نیکو حمایتگری است»، زیرا از خدای سبحان شنیدم که در پی آن می فرماید: «پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود».

وَعَجِبْتُ لِمَنِ اعْتَمَّ، كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى:

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (١)؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» (٢).

وَعَجِبْتُ لِمَنِ مَكَّرَ بِهِ، كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (٣)؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا» (٤).

وَعَجِبْتُ لِمَنِ أَرَادَ الدُّنْيَا وَزَهَّتْهَا، كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى:

«مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (٥)؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا:

ص: ٤٠

١- (١) - الأنبياء: ٨٧ و ٨٨.

٢- (٢) - الأنبياء: ٨٧ و ٨٨.

٣- (٣) - غافر: ٤٤ و ٤٥.

٤- (٤) - غافر: ٤٤ و ٤٥.

٥- (٥) الكهف: ٣٩.

و در شگفتم از کسی که اندوهگین است، چگونه به فرمودهٔ خدای متعال پناه نمی برد که:

«لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين»: «معبود به حقی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم»، زیرا از خدای سبحان شنیدم که در پی آن می فرماید: «پس دعای او را برآورده کردیم، و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می دهیم».

و در شگفتم از کسی که با او مکر کرده اند، چگونه به فرمودهٔ خدای متعال پناه نمی برد که: «و أفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد»: «و کارم را به خدا می سپارم، خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست»، زیرا از خدای سبحان شنیدم که در پی آن می فرماید: «پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند حفظ فرمود».

و در شگفتم از کسی که دنیا و زینت آن را می خواهد، چگونه به فرمودهٔ خدای متعال پناه نمی برد که:

«ما شاء الله لا قوة إلا بالله»: «هر چه خدا خواهد [همان می شود]، نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست»، زیرا از خدای سبحان شنیدم که در پی آن [به نقل از رفیق آن کافر(۱)] می فرماید:

ص: ۴۱

---

۱- (۱) - برای اطلاع بیشتر به آیات ۳۲-۴۰ سوره مبارکهٔ کهف مراجعه نمایید.

«إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا فَعَسَىٰ رَبِّهِمْ أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّاتِكَ» (١)؛ وَ «عَسَىٰ» مُوجِبَةٌ. (٢)

ص: ٤٢

١- (١) - الكهف: ٤٠.

٢- (٢) - الأمالي، ص ٥٤، المجلس ٢، ح ٢/٩؛ والخصال، ص ٢١٨، باب الأربعة، ح ٤٣. ورواه في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٢، ح ٥٨٣٥ عن محمّد بن أبي عمير، عن أبان، و.... والحديث صحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ٨٩) وقال: جرّبنا كثيراً هذه الآيات لما ذكر، فوقع كما وعد الله تعالى بلا تأخير.



«اگر مرا از حیث مال و فرزند کمتر از خود می بینی، امید است که پروردگارم بهتر از باغ توبه به من عطا فرماید»<sup>(۱)</sup>؛ و «عسی»  
[که امید از خدای کریم است] ایجابی است [و حتمی بودن را می رساند].

ص: ۴۳

---

۱- (۱) - مجلسی اوّل در ذیل این حدیث می فرماید: ما این آیات را برای همین موارد یاد شده، بسیار آزمودیم، پس بیدرنگ  
همان شد که خدا فرموده است.

حَدَّثَنَا أَبِي رحمه الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ، عَنْ عِيَاثِ بْنِ كَلُوبٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ:  
عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ:  
مَا مِنْ أَحَدٍ ابْتُلِيَ - وَإِنْ عَظُمَتْ بَلْوَاهُ - بِأَحَقَّ بِالدُّعَاءِ مِنَ الْمُعَافَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبُلَاءَ. (١)

ص: ٤٤

---

١- (١) - الأمالي، ص ٣٣٧، المجلس ٤٥، ح ٥/٣٩٥. ورواه عن الحسين بن موسى الخشاب في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٩، ح ٥٨٥٧. والحديث موثق على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضة المتقين، ج ١٣، ص ١٤٥).

## سزاوارترین مردم به نیایش

اسحاق بن عمّار، از امام صادق، از پدر [بزرگوار] خود، از پدران [بزرگوار] خود علیهم السلام نقل کرده که: امام علی علیه السلام می فرمود:

هیچ گرفتار بلایی - هر چند گرفتاریش بزرگ باشد - به دعا کردن سزاوارتر نیست از آن بی بلایی که ایمن از بلا نیست.

ص: ۴۵

كن لما لا ترجو أرجى منك لما ترجو

١٨ - جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ:

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ:

كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو، أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو؛ فَإِنَّ مُوسَى ابْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ يَقْتَبِسُ لِأَهْلِهِ نَارًا، فَكَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَزَجَعَ نَبِيًّا.

وَخَرَجَتْ مَلَكَهَ سَيًّا، فَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

وَخَرَجَ سَحْرَهُ فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّةَ لِفِرْعَوْنَ، فَزَجَعُوا مُؤْمِنًا. (١)

ص: ٤٦

١- (١) - الأمالى، ص ٢٤٣، المجلس ٣٣، ح ٩/٢٦١؛ ورواه فى من لا يحضره الفقيه، ل لا ج ٣، ص ١٦٥، ح ٣٦١٢ مرسلًا، و فى ج ٤، ص ٣٩٩، ح ٥٨٥٤ عن محمد بن أبى عمير؛ ورواه الكلينى رحمه الله فى الكافى، ج ٥، ص ٨٣، ح ٣ بطريق آخر. والحديث قوى كالصحيح على ما قاله المجلسى الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٠٨).

## به آنچه امید نداری امیدوارتر باش

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: به آنچه امید نداری، بیش از آنچه امید داری امیدوار باش؛ زیرا موسی بن عمران علیه السلام بیرون آمد تا برای خاندان خود آتشی برگیرد، پس خدای سبحان با او سخن گفت و او پیامبر برگشت.

و ملکه سبا بیرون آمد [تا سازش کند] پس با سلیمان علیه السلام [به خدا] تسلیم شد.

و ساحران فرعون بیرون آمدند که عزت برای فرعون بجویند، پس با ایمان به خدا برگشتند.

ص: ۴۷

١٩ - يُونُسُ، عَنِ سِنَانِ بْنِ طَرْهَفٍ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

يَتَّبِعُهُ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخَافَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَوْفًا كَأَنَّهُ مُشْرِفٌ عَلَى النَّارِ، وَ يَرْجُوهُ رَجَاءً كَأَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

ثُمَّ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ: إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرًا، وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا. (١)

ص: ٤٨

---

١- (١) - الكافي، ج ٨، ص ٣٠٢، ح ٤٦٢، والحديث حسن. كذا قال المجلسي رحمه الله (مرآة العقول، ج ٢٦، ص ٣٨٣).

سنان بن طریف گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: برای مؤمن، شایسته است آنچه از خدا بترسد که گویی بر لبه پرتگاه آتش است، و آنچه به او امیدوار باشد که گویی از بهشتیان است.

سپس فرمود: همانا خدای سبحان در نزد «گمان» بنده خود است: اگر [به او] گمان خیر داشته باشد، خیر می بیند، و اگر گمان شر داشته باشد، شر می بیند.

ص: ۴۹

٢٠ - مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِمْرَانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ، عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ:

قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ:

أَيُّمَا عَبْدٍ أَطَاعَنِي، لَمْ أَكِلْهُ إِلَّا إِلَى غَيْرِي.

وَ أَيُّمَا عَبْدٍ عَصَانِي، وَ كَلْتُهُ إِلَّا إِلَى نَفْسِي، ثُمَّ لَمْ أَبَالِ فِيهِ أَيُّ وَادٍ هَلَكَ. (١)

ص: ٥٠

---

١- (١) - الأمالئ، ص ٥٧٧، المجلس ٧٤، ح ٢/٧٨٩. و رواه مرسلًا في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٣، ح ٥٨٦٩ عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم؛ وقال المجلسي الأول رحمه الله: رواه المصنف في الموثق كالصحيح عن مروان بن مسلم... (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٥٦).



## نتیجۀ اطاعت و عصیان

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم علیه السلام، از پدران [بزرگوار] خود علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد که خدای سبحان فرمود:

هر بنده ای که مرا اطاعت کند او را به غیر خودم واگذار نمی کنم.

و هر بنده ای که مرا معصیت کند او را به خودش وا می گذارم، سپس اهمّیت نمی دهم که در کدام وادی به هلاکت می رسد.

ص: ۵۱

٢١ - الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِهَسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ، قَالَ:

أَصَابَتْهُ ضَيْقَةٌ شَدِيدَةٌ، فَصَرْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَأَذِنَ لِي فَلَمَّا جَلَسْتُ، قَالَ يَا أَبَا هَاشِمٍ! أَيُّ نِعْمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكَ تُرَاهِدُ أَنْ تُؤَدِّيَ شُكْرَهَا؟

قَالَ أَبُو هَاشِمٍ: فَوَجَمْتُ، فَلَمْ أَدْرِ مَا أَقُولُ لَهُ؛ فَايْتَدَأُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ:

رَزَقَكَ الْإِيمَانَ، فَحَرَّمَ بِهِ بَدَنَكَ عَلَى النَّارِ.

وَ رَزَقَكَ الْعَافِيَةَ، فَأَعَانَتْكَ (١) عَلَى الطَّاعَةِ.

وَ رَزَقَكَ الْقُنُوعَ، فَصَانَكَ عَنِ التَّبَدُّلِ.

ص: ٥٢

---

١- (١) «فأعانك» من لا يحضره الفقيه.

## از خدا شکوه مکن

ابوهاشم جعفری گوید: تنگدستیِ سختی به من روی آورد، پس به محضر [مبارک] امام هادی علیه السلام کشیده شدم، اجازهٔ ورودم داد، چون نشستم فرمود: ای ابوهاشم! کدام یک از نعمتهای خدای سبحان بر خود را می خواهی سپاس گویی؟!

ابوهاشم گوید: زبانم از هراس بند آمد، و ندانستم چه بگویم، پس خود آغاز سخن کرد و فرمود:

خدا ایمان را روزیت فرمود و با آن بدنت را بر آتش حرام کرد.

و عافیت را روزیت کرد و بر طاعت [خود] یاریت رساند.

و قناعت را روزیت کرد و از خواری بازت داشت.

ص: ۵۳

يَا أَبَاهَاشِمِ! إِنَّمَا ابْتَدَأْتُكَ بِهَذَا، لِأَنِّي ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُرِيدُ أَنْتَشَكَّرَ إِلَيَّ مَنْ فَعَلَ بِكَ هَذَا؛ وَقَدْ أَمَرْتُ لَكَ بِمَائِهِ دَهْرًا، فَخُذْهَا. (۱) ای ابوہاشم! آغاز به این سخن کردم زیرا دانستم که می خواهی نزد من از کسی که این [لطاف] را در حقش کرده شکوه کنی؛ دستور داده ام که صد دینار به تو بدهند، آن را بگیر.

ص: ۵۴

---

۱- (۱) - الامالی ص ۴۹۷ المجلس ۶۴ ح ۱۱/۶۸۲ و وراه فی من لا یحضره الفقیه ج ۴۰۱۴ ح ۵۸۶۳ عن أبی ہاشم الجعفری والحديث قوى كالصحيح على ما قاله المجلسی الاول رحمه الله روضه المتقين ج ۱۳ ص ۱۴۷.

۲۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ:

كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرَّ بِجَمَاعَةٍ يَخْتَصِمُونَ، لَا يُجُوزُهُمْ حَتَّى يَقُولَ - ثَلَاثًا -: اتَّقُوا اللَّهَ؛ يَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ. (۱)

### پرهیز از درگیری

غیاث بن ابراهیم گوید: چون گذر امام صادق علیه السلام به گروهی که با هم نزاع و درگیری داشتند می افتاد، از آنان رد نمی شد مگر آنکه سه بار، با صدای بلند می فرمود: «از خدا بترسید».

ص: ۵۵

---

۱- (۱) - الکافی، ج ۵، ص ۵۹، باب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، ح ۱۲؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۸۰، باب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، ح ۱۹. والحديث موثق. كذا قال المجلسی رحمه الله (مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۴۰۵؛ ملاذ الأخیار، ج ۹، ص ۴۷۵).

٢٢ - الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ، عَنْ مُبَسَّرٍ، قَالَ:

قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنَّ فِيمَا نَزَلَ بِهِ الْوَحْيُ مِنَ السَّمَاءِ:

لَوْ أَنَّ لِابْنِ آدَمَ وَادَيْنِ يَسْهَلَانَ ذَهَبًا وَفِضَّةً، لَابْتَغَى إِلَيْهِمَا ثَلَاثًا.

يَا ابْنَ آدَمَ! إِنَّمَا بَطْنُكَ بَحْرٌ مِنَ الْبُحُورِ وَوَادٍ مِنَ الْأَوْدِيَةِ، لَا يَمْلَأُهُ شَيْءٌ إِلَّا التُّرَابُ. (١)

ص: ٥٦

---

١ - (١) - من لا - يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٨، ح ٥٩١٢. و الحديث موثق كالصحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ٢٣١).

## حرص آدميزاد

امام صادق عليه السلام فرمودند: از جمله آنچه از آسمان وحی شده این است که:

اگر آدميزاده دو وادی داشت که در آنها طلا و نقره جاری بود باز در کنار آنها، وادی سؤم را آرزو می کرد.

ای فرزند آدم! همانا شکم تو دریایی از دریاها، و درّه ای از درّه هاست که چیزی جز خاک آن را پُر نمی کند.

ص: ۵۷

شكر الله لجعفر بن أبي طالب

٢٣ - الصدوق رحمه الله قال:

خَدَّثَنَا أَبُو رَحْمَةَ اللَّهِ، قَالَ: خَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ،  
عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُفَيْيِّ،

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنِّي شَكَرْتُ لَجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَرْبَعَ خِصَالٍ.

فَدَعَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَخْبَرَهُ.

فَقَالَ: لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ أَخْبَرَكَ، مَا أَخْبَرْتُكَ:

مَا شَرِبْتُ خَمْرًا قَطُّ؛ لِأَنِّي عَلِمْتُ أَنَّ لَوْ شَرِبْتُهَا، زَالَ عَقْلِي.

ص: ٥٨



## سپاس خدا از جعفر بن ابی طالب

امام باقر علیه السلام فرمود: خدای سبحان به پیامبر خود صلی الله علیه و آله و سلم وحی فرمود: من - به خاطر چهار خصلت - سپاسگوی جعفر بن ابی طالبم.

پیامبر، جعفر را خواست و این خبر را به او داد.

عرض کرد: [ای رسول خدا!] اگر خدا به شما خبر نداده بود، من نیز خبر نمی دادم؛ [اکنون می گویم]:

هرگز شراب نوشیده ام؛ زیرا دانستم اگر بیاشامم عقلم زایل می شود.

ص: ۵۹

وَمَا كَذَبْتُ قَطُّ؛ لَأَنَّ الْكَذِبَ يَنْقُصُ الْمُرُوءَةَ.

وَمَا زَيَّيْتُ قَطُّ؛ لِأَنِّي خِفْتُ أَنِّي إِذَا عَمِلْتُ، عُمِلَ بِي.

وَمَا عَبَدْتُ صَنَمًا قَطُّ؛ لِأَنِّي عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ.

قَالَ: فَضَرَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَهُ عَلَى عَاتِقِهِ، فَقَالَ: (١) حَقٌّ لِلَّهِ (١) عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَكَ جَنَاحَيْنِ تَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ. (٢)

ص: ٦٠

١- (١) - «على الله» من لا يحضره الفقيه.

٢- (٢) - الأُمالي، ص ١٣٣، المجلس ١٧، ح ١٢/١٢٧؛ و بطريق آخر: علل الشرائع، ص ٥٥٨، باب ٣٤٨، ح ١. و رواه في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٧، ح ٥٨٤٧ عن عمر و بن شمر. قال المجلسي الأول رحمه الله: رواه المصنف في القوي كالصحيح (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٠٤).

و هرگز دروغ نگفته‌ام؛ زیرا دروغ جوانمردی را می‌کاهد.

و هرگز زنا نکرده‌ام؛ زیرا بیم آن داشتم اگر انجام دهم، انجامم دهند.

و هرگز بتی را نپرستیده‌ام؛ زیرا دانستم زیان و سودی نمی‌رساند.

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست [مبارک] خود را بر شانه او زد و فرمود: بر خدای سبحان حقّ است که برای تو دو بال بیافریند تا در بهشت با آنها - همراه فرشتگان - پرواز کنی.

ص: ۶۱

٢٤ - عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ وَسِّ بْنِ سَابُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَقُولُ:

لَمَّا حَمَلَ رَأْسُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الشَّامِ، أَمَرَ يَزِيدُ - لَعَنَهُ اللَّهُ - فَوَضِعَ، وَنُصِبَ عَلَيْهِ مَائِدَةٌ، فَأَقْبَلَ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ يَأْكُلُونَ، وَ يَشْرَبُونَ الْفُقَاعَ. فَلَمَّا فَرَّغُوا، أَمَرَ بِالرَّأْسِ فَوَضِعَ فِيهَا طَسْتًا تَحْتَ سَيْرِهِ، وَ بَسَطَ عَلَيْهِ رُقْعَةَ الشَّطْرَنْجِ، وَ جَلَسَ يَزِيدُ - لَعَنَهُ اللَّهُ - يَلْعَبُ بِالشَّطْرَنْجِ، وَيَذْكُرُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ أَبَاهُ وَ جَدَّهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِمْ؛ فَمَتَى قَامَ صَاحِبُهُ، تَنَاوَلَ الْفُقَاعَ؛ فَشَرِبَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ صَبَّ فَضَلَّتْهُ عَلِيٌّ مَا يَلِي الطَّسْتِ مِنَ الْأَرْضِ.

## نکوهش آجگو و شطرنج

فضل بن شاذان گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم فرمود: چون سر [مبارک امام] حسین علیه السلام را به شام آوردند، یزید فرمان داد تا سفره ای بچینند و [بزم عیش] بر پا کنند. پس او و یارانش [بر آن بساط،] می خوردند و آجگو می نوشیدند، و چون به پایان بردند، دستور داد سر [مبارک] را در طشتی زیر تختش نهادند و بر آن بساط شطرنج بگشویند، و یزید به بازی شطرنج نشست در حالی که [امام] حسین بن علی علیه السلام، و پدر علیه السلام و جدّ صلی الله علیه و آله و سلم [بزرگوار] او را به [بدی و] استهزا یاد می کرد؛ و چون در بازی برنده می شد، [جام] آجگو [برداشته، آن] را در سه نوبت سر می کشید و باقیمانده را بر زمین کنار طشت می ریخت.

فَمَنْ كَانَ مِنْ شَهَعَيْنَا، فَلْيَتَوَرَّعْ عَنِ شُرْبِ الْفُقَاعِ وَاللَّعْبِ بِالشُّطْرُنِجِ.

وَمَنْ نَظَرَ إِلَى الْفُقَاعِ أَوْ إِلَى الشُّطْرُنِجِ، فَلْيَذْكُرِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ، وَلْيَلْعَنُ يَزِيدَ وَآلَ زِيَادٍ؛ يَمْحُو اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ ذُنُوبَهُ، وَ لَوْ كَانَتْ بِعَدَدِ النُّجُومِ. (١)

ص: ٦٤

---

١- (١) - من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٩، ح ٥٩١٥. والحديث حسن كالصحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله. و قال أيضاً: وصفه الشهيد الثاني بالصحة (روضه المتقين، ج ١٣، ص ٢٧٤).

پس هر کس از شیعیان ما باشد، از نوشیدن آبجو، و بازی شطرنج، باید پرهیزد.

و هر کس به آبجو یا به شطرنج بنگرد باید [امام] حسین علیه السلام را یاد کرده، یزید و آل زیاد را لعنت فرستد، که خدای سبحان، بدین وسیله گناهانش را - هر چند بشمار ستارگان باشند - می آمرزد.

ص: ۶۵

المؤمن لم يفوض إليه إذلال نفسه

٢٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ سَمَاعَةَ، قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا، وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ؛ أَلَمْ تَسْمَعْ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (١).

فَالْمُؤْمِنُ يَتَّبِعُ أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا، وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا؛ يُعِزُّهُ اللَّهُ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ (٢).

ص: ٦٦

١- (١) المنافقون ٨

٢- (٢) الكافي ج ٥ ص ٦٣ باب كراهه التعرض لما لا يطيق ح ٢ والحديث موثق كذا قال المجلسي رحمه الله (مراه العقول ج ١٨ ص ٤١٢)



## مؤمن حق ندارد خود را خوار کند

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای سبحان اختیار همه کارهای مؤمن را به او واگذارده است، ولی اجازه نداده که او خود را خوار کند، آیا فرموده خدای سبحان را نشنیده ای که: «عزت [وسرافرازی]، از آن خدا، و از آن رسول او و اهل ایمان است».

پس مؤمن را سزاوار است که عزیز باشد نه ذلیل، خدا او را با ایمان و اسلام، عزیز می دارد.

کیف یدل المؤمن نفسه؟

۲۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ دَاوُدَ الرِّقِيِّ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَقُولُ: لَا يَنْبَغُ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُدِلَّ نَفْسَهُ.

قَالَ لَهُ: وَكَيْفَ يُدِلُّ نَفْسَهُ؟

قَالَ: يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يَطِيقُ. (۱)

### چگونه مؤمن خود را ذلیل می کند؟

امام صادق علیه السلام فرمود: شایسته نیست که مؤمن خود را ذلیل کند.

عرض شد: چگونه خود را ذلیل می کند؟

فرمود: به آنچه که توانش را ندارد می پردازد.

ص: ۶۸

---

۱- (۱) الکافی ج ۵ ص ۶۳ باب کراهه التعرض لما لا يطيق ح ۴ و رواه الشيخ في التهذيب ج ۶ ص ۱۸۰ باب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر ح ۱۷ عن الحسن بن محبوب عن داود الرقي والحديث صحيح قاله المجلسي رحمه الله ملاذالاخيار ج ۹ ص

ما قُدِّسَتْ أُمَّهُ حَتَّى...

٢٨ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: مَا قُدِّسَتْ أُمَّهُ لَمْ يُؤْخَذْ لِضَعْفِهَا مِنْ قَوِيَّهَا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَمَتِّعٍ. (١)

### هیچ ملتی سرافراز نشد مگر...

امام صادق علیه السلام فرمود:

پاکیزه و مقدس نمی شود ملتی که حق ضعیفانش بدون [دغدغه و] لکنت از زورمندان ستانده نشود.

ص: ۶۹

---

١- (١) - الکافی، ج ٥، ص ٥٦، باب الأمر بالمعروف و النّهی عن المنکر، ح ٢. و رواه الشيخ فی التهذیب، ج ٦، ص ١٨٠، باب الأمر بالمعروف و النّهی عن المنکر، ح ٢٠ و فيه «لم تأخذ» بدل «لم يؤخذ» و «متضع» بدل «متمتع». والحديث حسن. كذا قال المجلسی رحمه الله (مرآة العقول، ج ١٨، ص ٤٠١؛ ملاذ الاخيار، ج ٩، ص ٤٧٥).

أبغض الناس إلى الله

٢٩ - ابنُ محبوبٍ، عن مالكِ بنِ عطيته، عن أبي حمزة الثمالي:

عن عليِّ بنِ الحسينِ عليهما السلام، قال:

لا حَسَبَ لِقُرَشِيٍّ وَلا لِعَرَبِيٍّ إِلا بَتَواضِعٍ، وَلا كَرَمَ إِلا بِتَقْوَى، وَلا عَمَلَ إِلا بِالنِّيَّةِ، وَلا عِبَادَةَ إِلا بِالتَّفَقُّهِ.

أَلا وَإنَّ أَبغَضَ النَّاسِ إِلى اللَّهِ، مَنْ يَتَّقِدْهُ بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَلا يَتَّقِدْهُ بِأَعْمَالِهِ. (١)

ص: ٧٠

---

١- (١) - الكافي، ج ٨، ص ٢٣٤، ح ٣١٢. والحديث حسن. كذا قال المجلسي رحمه الله (مرآة العقول، ج ٢٦، ص ١٧٨).

## مبغوضترین مردم نزد خدا

ابوحمره ثمالی از [امام] علی بن الحسین علیهما السلام نقل کرده که فرمود: برای قریشی بودن و عربی بودن هیچ ارزشی جز به تواضع (فروتنی) نیست، و هیچ بزرگواری جز به تقوا نیست، و هیچ عملی جز با نیت [و قصد قربت، ارزشمند] نیست، و هیچ عبادتی جز با تفقه [و بصیرت، پسندیده] نیست.

آگاه باشید همانا مبغوض ترین مردم نزد خدا، کسی است که آیین امامی را بپذیرد و از اعمال او پیروی نکند.

ص: ۷۱

ثلاث هُنَّ فخر المؤمن

٣٠ - ابنُ محبوبٍ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

ثَلَاثٌ هُنَّ فَخْرُ الْمُؤْمِنِ وَزِينَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ:

الصَّلَاةُ فِيهِ آخِرَ اللَّيْلِ، وَيَأْسُهُ مِمَّا فِيهِ أَيْدِي النَّاسِ، وَوَلَايَتُهُ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

قَالَ: وَثَلَاثَةٌ هُمْ شَرَارُ الْخَلْقِ، ابْتُلِيَ بِهِمْ خِيَارُ الْخَلْقِ:

أَبُوسُفْيَانَ، أَحَدُهُمْ: قَاتَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَادَاهُ.

وَمُعَاوِيَةُ: قَاتَلَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَادَاهُ.

وَيَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ - لَعَنَهُ اللَّهُ - قَاتَلَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَعَادَاهُ حَتَّى قَتَلَهُ. (١)

ص: ٧٢

---

١- (١) - الكافي، ج ٨، ص ٢٣٤، ح ٣١١، والحديث حسن. كذا قال المجلسي رحمه الله (مرآة العقول، ج ٢٦، ص ١٧٨).

## سه چیز فخر مؤمن است

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

سه چیز است، در دنیا و آخرت، فخر و زینت مؤمن است:

نماز در پایان شب [و نزدیکی های سپیده فجر]، و ناامیدیش از آنچه در دست مردم است، و [دوست داشتن و] پیرویش امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را.

فرمود: و سه کس، بدترین خلائقند که بهترین خلائق به آنها گرفتار و آزموده شدند:

یکی ابوسفیان است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جنگید و دشمنی کرد.

و [دیگری] معاویه است که با علی علیه السلام جنگید و خصومت ورزید.

و [سومی] یزید بن معاویه - لعنه الله - است که با حسین بن علی علیه السلام جنگید و دشمنی ورزید تا او را کشت.

ولايه على عليه السلام ولايه الله

٣١ - سَعْدُ بْنُ طَرَفٍ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ:

قَالَ أَهْلُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ خُطْبِهِ:

أَيُّهَا النَّاسُ! اسْمَعُوا قَوْلِي، وَاعْقِلُوا عَنِّي؛ فَإِنَّ الْفِرَاقَ قَرِيبٌ:

أَنَا إِمَامُ الْبُرِّيَّةِ، وَوَصِيُّ خَيْرِ الْخَلْقِ، وَزَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْأُمَّةِ، وَأَبُو الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ وَالْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ.

أَنَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَصِيُّهُ، وَوَلِيِّهُ، وَوَزِيرُهُ، وَصَاحِبُهُ، وَصَفِيُّهُ، وَحَبِيبُهُ، وَخَلِيلُهُ.

أَنَا أَهْلُ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمَحَجَّلِينَ، وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ.

ص: ٧٤



## ولایت علی علیه السلام ولایت خداست

اصبغ بن نباته گوید: امیرمؤمنان علیه السلام در یکی از خطبه های خود فرمود:

هان ای مردم! سخنم را بشنوید، و آن را از من [خوب] فرا گیرید، زیرا که جدایی [میان من و شما] نزدیک است:

من امام آفریدگانم، و وصی بهترین خلائقم، و همسر سرور بانوان امتم، و پدر عترت پاک [پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] و امامان هدایتگرم.

من برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، و نیز وصی، ولی، وزیر، یار، همدم، محبوب و دوست صمیمی اویم.

من امیرمؤمنان و پیشوای سپیدرویان و سرور اوصیایم.

ص: ۷۵

حَزْبِ اللَّهِ، وَ سَلِمَ سَلْمُ اللَّهِ، وَ طَاعَتِي طَاعَةُ اللَّهِ، وَ وِلَايَتِي وِلَايَةُ اللَّهِ، وَ شَهَّتِي أُوْلِيَاءُ اللَّهِ، وَ أَنْصَارِي أَنْصَارُ اللَّهِ.

وَالَّذِي خَلَقَنِي وَ لَحْمَ أُمَّكَ شَيْئًا، لَقَدْ عَلِمْتُ مَسِيءَ تَحْفِظُونَ مِنِّي مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَنَّ الدَّاكِنِينَ وَ القَاسِطِينَ وَ المَارِقِينَ (١)، مَلْعُونُونَ عَلَيَّ لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ؛ وَ قَدْ خَابَ مِنِّي أَفْرَى (٢). (٣).

ص: ٧٦

١- (١) - روى الصدوق رحمه الله عن أبي عبدالله عليه السلام أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال لأُمِّ سلمة: اسمعي و اشهدي هذا علي بن أبي طالب وصيي و خليفتي سيد المسلمين، و إمام المتقين، و قائد الغر المحجلين، و قاتل الناكثين و المارقين و القاسطين. قلت يا رسول الله، من الناكثون؟ قال: الذين يبايعونه بالمدينة، و ينكثونه بالبصرة. قلت: من القاسطون؟ قال: معاوية و أصحابه من أهل الشام. [ثم] قلت: من المارقون؟ قال: أصحاب النهروان. (معاني الأخبار، ص ٢٠٤، ذيل ح ١).

٢- (٢) اقتباس من الآية ٦١ من سورة طه.

٣- (٣) - من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٩، ح ٥٩١٨. و الحديث حسن على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله، و قال أيضا: جميع هذا الخبر منقول متواتراً في كتب العامة والخاصة (روضه المتقين، ج ١٣، ص ٢٧٥).

جنگ من، جنگ خدا و صلح من صلح خداست؛ و پیروی من، پیروی خداست؛ و ولایت من، ولایت خداست؛ و پیروان من، دوستان خدایند؛ و یاوران من، یاوران خدایند.

سوگند به آن خدایی که مرا - در حالی که چیزی نبودم - بیافرید، مستحفظان [و امانتداران] از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم می دانند که: ناکثین و قاسطین و مارقین (۱)، بر زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد لعن قرار گرفته اند. همانا کسی که سخنی به افترا گوید زیانکار است.

ص: ۷۷

---

۱- (۱) - «ناکثین» یعنی پیمان شکنان، و منظور اصحاب جمل - طلحه و زبیر و طرفداران ایشان - هستند که بیعت امیرالمؤمنین علیه السلام را شکستند و با همراهی عایشه جنگ جمل را بر پا کردند. «قاسطین» یعنی ستمگران و اهل جور، و مراد معاویه و پیروانش می باشند که در صفین روبروی علی علیه السلام قرار گرفتند. «مارقین» از دین بیرون رفتگان، و مقصود همان خوارج هستند که جنگ نهروان را به راه انداختند، و از دین بیرون رفتند چنانکه تیر از کمان رها می شود. (مجمع البحرین، ذیل «نکث»)

حِكْمٌ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

٣٢ - الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ، قَالَ:

قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْقَوْلِ، قَوْلُ مَنْ هُوَ؟

«أَسْأَلُ اللَّهَ الْإِيمَانَ وَالتَّقْوَى، وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ عَاقِبَةِ الْأُمُورِ.

إِنَّ أَشْرَفَ الْحَدِيثِ ذِكْرُ اللَّهِ، وَ رَأْسَ الْحِكْمَةِ طَاعَتُهُ،

وَ أَصْدَقَ الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ وَ أَحْسَنَ

ص: ٧٨

## گفتاری حکیمانه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ابوالصباح کنانی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

بفرمایید که این سخنها از کیست؟

«از خدا ایمان و تقوا می طلبیم، و از سرانجام بد کارها به خدا پناه می برم.

□  
حقاً که شریفترین سخن یاد خدا، و أوج حکمت، بندگی اوست.

و راست ترین سخن، و رساترین اندرز، و بهترین

ص: ۷۹

الْقَصَصِ كِتَابِ اللَّهِ،  
وَ أَوْثَقَ الْعُرَى الْأَيْمَانَ بِاللَّهِ،  
وَ خَيْرَ الْمَلِ مَلَّةُ إِبْرَاهِيمَ،  
وَ أَحْسَنَ السُّنَنِ سُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ،  
وَ أَحْسَنَ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،  
وَ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى،  
وَ خَيْرَ الْعِلْمِ مَا نَفَعَ،  
وَ خَيْرَ الْهُدَى مَا أُتْبِعَ،  
وَ خَيْرَ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ،  
وَ خَيْرَ مَا أُقِيَ فِي الْقَلْبِ الْيَقِينُ،  
وَ زَهَبَهُ الْحَدِيثِ الصِّدْقُ،  
وَ زَهَبَهُ الْعِلْمِ الْإِحْسَانُ،  
وَ أَشْرَفَ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ،  
وَ خَيْرَ الْأُمُورِ خَيْرُهَا عَاقِبَةُ،  
وَ مَا قَلَّ وَ كَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَ أَلْهَى،

سرگذشتها، [در] کتاب خداست.

و محکمترین دستگیره [رستگاری] ایمان به خداست.

و بهترین آینهها، آیین [توحیدی] ابراهیم علیه السلام است.

و نیکوترین سنتها سنت پیامبرانست.

و بهترین هدایتها هدایت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

و بهترین توشه، تقوا است.

و بهترین دانشها دانشی است که سود دهد.

و بهترین هدایتها هدایتی است که پیروی شود.

و بهترین بی نیازها بی نیازی دل است.

و بهترین چیزی که در دل افکنده می شود یقین است.

و زینت گفتار، راستگویی است.

و زینت دانش، احسان است.

و شریفترین مرگها شهید شدن است.

و بهترین کارها کاری است که عاقبتش از همه بهتر باشد.

و آنچه کم است و کافی، بهتر است از آنچه زیاد است و بیهوده.

وَ الشَّقِيَّ مَنْ شَقِيَ فِيهِ بَطْنِ أُمَّهِ،

وَ السَّهْلَ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ،

وَ أَكْبَسَ الْكَيْسِ التُّتْقَى،

وَ أَحْمَقَ الْحُمَقِ الْفُجُورُ،

وَ شَرَّ الرِّوَايَةِ الْكَذِبُ،

وَ شَرَّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا،

وَ شَرَّ الْعَمَى عَمَى الْقَلْبِ،

وَ شَرَّ النَّدَامَةِ نَدَامَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

وَ أَعْظَمَ الْمُخْطِئِينَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِسَانُ كَذَّابٍ،

وَ شَرَّ الْكَسْبِ كَسْبُ الرِّبَا،

وَ شَرَّ الْمَأْكَلِ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا،

وَ أَحْسَنَ زَهْتِهِ الرَّجُلُ السَّكِينَةُ مَعَ الْإِيمَانِ.

وَ مَنْ يَبْتَغِ السُّمْعَةَ يُسْمِعِ اللَّهُ بِهِ.

وَ مَنْ يَعْرِفِ الْبَلَاءَ يَصْبِرْ عَلَيْهِ،

وَ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ يُنْكِرُهُ.



و بدبخت کسی است که در شکم مادرش [در اثر رفتار ناشایست پدر و مادر] بدبخت شده است.

و خوشبخت کسی است که از دیگران عبرت گیرد.

و برترین زیرکیها پارسایی است.

و بدترین کودنیهها هرزگی [و تبهکاری] است.

و بدترین گزارشها دروغگویی است.

و بدترین کارها تازه های آنهاست.

و بدترین کوریها کوری دل است.

و بدترین پشیمانیهها پشیمانی روز قیامت است.

و بزرگترین خطاکاران در پیشگاه خدای سبحان، زبان پُر دروغ است.

و بدترین کاسبی ها کسبِ ربا است.

و بدترین خوردنیها خوردنِ ظالمانهٔ مال یتیم است.

و نیکوترین زینت مرد، آرامشِ همراه ایمان است.

و هر کس از پی شهرت و آوازه باشد خدا رسوایش سازد.

و هر کس ابتلا [و آزمایش] را بفهمد بر آن شکیبیا باشد، و هر کس از آن بی خبر باشد، آن را بر نتابد.

وَ الرَّيْبَ كُفْرًا.

□  
وَ مَنْ يَسْتَكْبِرْ يَضَعُهُ اللَّهُ.

□ □ □  
وَ مَنْ يُطِعِ الشَّيْطَانَ يَعْصِ اللَّهَ، وَ مَنْ يَعِصِ اللَّهَ يَعْذِبْهُ اللَّهُ.

□ □  
وَ مَنْ يَشْكُرِ اللَّهَ يَزِدْهُ اللَّهُ.

□  
وَ مَنْ يَصْبِرْ عَلَى الرَّزِيَةِ يُغْنِهِ اللَّهُ،

□ □  
وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَحَسْبُهُ اللَّهُ.

□ □ □  
لَا تُسْخِطُوا اللَّهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ،

□ □ □ □ □  
وَ لَا تَتَقَرَّبُوا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ بِبَاعِدٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ شَيْءٌ يُعْطِيهِ بِهِ خَيْرًا أَوْ يَصْرِفُ بِهِ عَنْهُ سُوءًا إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَ ابْتِغَاءِ مَرْضَاتِهِ.

□ □ □  
إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ نَجَاحٌ كُلِّ خَيْرٍ يُبْتَغَى، وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ شَرٍّ يُتَّقَى،

و شك و تردید، بی ایمانی است.

هر کس بزرگی بفروشد، خدا او را پست کند.

و هر کس از شیطان پیروی کند خدا را نافرمانی کرده است، و هر کس خدا را نافرمانی کند خدا عذابش دهد.

و هر کس خدا را شکر کند خدا [نعمت] او را افزون سازد.

و هر کس بر مصیبتها صبر کند خدا به فریادش رسد.

و هر کس بر خدا توکل کند خدا او را بس است.

خدا را برای خشنودی هیچ آفریده ای به خشم نیاورید،

و به هیچ کسی با دور شدن از خدای سبحان تقرب مجوئید، زیرا میان خدا و هیچ آفریده ای نسبتی نیست - که با آن خیرش دهد و بدی را از او برگرداند - مگر با اطاعت خدا و جستجوی خشنودی او.

حقاً که اطاعت خدا، [مایه] کامیابی به هر خیری است که طلب می شود، و نجات از هر شرّی است که پرهیز می شود.

وَإِنَّ اللَّهَ يَعْتَصِمُ مَنْ أَطَاعَهُ، وَلَا يَعْتَصِمُ مِنْهُ مَنْ عَصَاهُ، وَلَا يَجِدُ الْهَارِبُ مِنَ اللَّهِ مَهْرَبًا؛ فَإِنَّ أَمْرَ اللَّهِ نَازِلٌ بِأَذْلَالِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْخَلَائِقُ، وَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ.

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ.

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (١).

قَالَ: فَقَالَ لِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

هَذَا قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (٢).

ص: ٨٤

١- (١) - اقتباس من الآية ٢ من سورة المائدة.

٢- (٢) - الأُمالي، ص ٥٧٦، المجلس ٧٤، ح ١٧٨٨. ورواه في من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٢، ح ٥٨٦٨ عن صفوان بن يحيى وفيه: «و من تتبع المَشْمَعَه يُشْمَعُ اللَّهُ به» بدل «و من يبتغ السَّمْعَ يسمَعُ اللَّهُ به». و الحديث حسن كالصحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٥٠).

و همانا خدا نگه می دارد هر کسی را که اطاعتش کند، و در امان از او نیست هر کسی که نافرمانیش کند.

و آن کس که از خدا فراری است پناهی ندارد، زیرا فرمان خدا - هر چند خلائق نپسندند - بدانگونه که هست فرود آید، و هر آنچه آمدنی است نزدیک است.

آنچه خدا خواهد همان شود، و آنچه نخواهد نشود.

در نیکویی و تقوا به هم یاری رسانید، و در گناه و تجاوز به هم یاری نکنید، و از خدا بترسید، <sup>□</sup>حقاً که عذاب خدا سخت است».

راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: این [گفتار] فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

من وصايا النبي صلى الله عليه وآله وسلم لعلي عليه السلام

٣٣ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَقُولُ:

كَانَ فِيهِ وَصِيَّةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ! أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ، فَاحْفَظْهَا عَنِّي - ثُمَّ قَالَ:  
اللَّهُمَّ أَعِنِّي -:

أَمَّا الْأُولَى: فَالْصِّدْقُ، وَ لَا تُخْرِجَنَّ مِنْ هَيْبِكَ كَذِبَهُ أَبَدًا.

وَ الثَّانِيَةُ: الْوَرَعُ، وَ لَا تَجْتَرِيْ عَلَيَّ خِيَانَةً أَبَدًا.

وَ الثَّلَاثَةُ: الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ.

وَ الرَّابِعَةُ: كَثْرَةُ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، يُبْنِي لَكَ بِكُلِّ دَمْعَةٍ أَلْفَ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ.

## از وصیتهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام

معاویه بن عمّار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود:

از جمله وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام این بود که فرمود:

ای علی! در خودت به چند خُلق و خوی سفارشت می کنم، آنها را از من نگهدار: - سپس فرمود: خدایا! او را کمک کن :-

خلق و خوی اوّل، راستگویی است، هرگز دروغی از دهانت بیرون نیاور.

دوّم: پارسایی است، هرگز بر خیانتی، بی باک مباش.

سوّم: ترسیدن از خدای سبحان است آنچنان که گویی او را می بینی.

چهارم: زیاد گریستن از بیم خداست، که از هر اشکی هزار خانه بهشتی برایت ساخته شود.

وَ الْخَامِسَةُ: بِذَلِكَ مَا لَكَ وَ دَمَكَ دُونَ دِينِكَ.

وَ السَّادِسَةُ: الْأَخْذُ بِسُنَّتِي فِي صَلَاتِي، وَ صَوْمِي، وَ صَدَقَتِي.

أَمَّا الصَّلَاةُ: فَالْخَمْسُونَ رَكْعَةً.

وَ أَمَّا الصِّيَامُ: فَثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ: الْخَمْسُ فِي أَوَّلِهِ، وَالْأَرْبَعَاءُ فِي وَسْطِهِ، وَ الْخَمْسُ فِي آخِرِهِ.

وَ أَمَّا الصَّدَقَةُ: فَجَهْدُكَ حَتَّى تَقُولَ:

قَدْ أَسْرَفْتُ، وَ لَمْ تُسْرِفْ.

وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ.

وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ، وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ، وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ.

وَ عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ.

وَ عَلَيْكَ بِرَفْعِ يَدَيْكَ فِي صَلَاتِكَ، وَ تَقْلِيهِمَا.

وَ عَلَيْكَ بِالسُّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ وُضُوءٍ.

وَ عَلَيْكَ بِمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، فَارْكَبْهَا. وَ مَسَاوِي الْأَخْلَاقِ فَاجْتَنِبْهَا؛ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَلَا تَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَكَ. (١)

ص: ٩٠

---

١- (١) - الكافي، ج ٨ ص ٧٩، ح ٣٣؛ و بطريق آخر: التهذيب، ج ٩، ص ١٧٥، ح ٧١٣؛ ل لا و رواه الصدوق رحمه الله في من لا يحضره الفقيه، ج ٤ ص ١٨٨، ح ٥٤٣٢ عن أبي جعفر عليه السلام. والحديث صحيح؛ كذا قال المجلسي رحمه الله (مرآة العقول، ج ٢٥، ص ١٨٠).



پنجم: مال و جان را در راه دینت فدا کردن است.

ششم: روش مرا در نماز و روزه و صدقه ام پیروی کن.

اما نماز: [در هر شبانه روز از فریضه و نافله] پنجاه رکعت است.

و اما روزه: در هر ماهی سه روز است: پنجشنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه، و پنجشنبه آخر ماه.

و اما صدقه: تلاش کردنت [در بذل و بخشش] است تا آنجا که بگویی: زیاده روی می کنم، در حالی که زیاده روی نکرده ای.

و بر تو باد به نماز شب.

و بر تو باد به نماز زوال (ظهر شرعی)، بر تو باد به نماز زوال، بر تو باد به نماز زوال.

و بر تو باد که در هر حال، قرآن تلاوت کنی.

و بر تو باد که در [قنوت] نمازت دستهایت را بلند کنی و رو به آسمان بداری.

و بر تو باد به مسواک کردن در هر وضویی.

و بر تو باد به اخلاق نیک که بر آنها فائق شوی [و آراسته گردی]، و به اخلاق بد که از آنها دوری کنی، اگر نکردی جز خودت را سرزنش نکن.

مواظع عن النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

٣٤ - عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَيِّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْرِيَّارَ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ابْنِ سَيِّدِهِ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ الْأَحْوَلِ صَاحِبِ الطَّاقِ، عَنْ جَهْلِيلِ بْنِ صَالِحٍ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ.

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَتَقَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَعْنَى النَّاسِ، فَلْيَكُنْ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ.

## اندرزهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

امام صادق علیه السلام، از پدران [بزرگوار] خود علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمودند که:

هر کس دوست دارد گرامی ترین مردم باشد، پس تقوای خدا پیشه کند.

و هر کس دوست دارد با تقواترین مردم باشد، پس بر خدا توکل کند.

و هر کس دوست دارد بی نیازترین مردم باشد، پس به آنچه نزد خدای سبحان است مطمئن تر باشد از آنچه در دست خودش می باشد.

ص: ۹۳

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُتَيْتُمْ بِشَرِّ النَّاسِ؟

قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: مَنْ أَبْغَضَ النَّاسَ، وَابْغَضَهُ النَّاسُ.

ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُتَيْتُمْ بِشَرِّ مَنْ هَذَا؟

قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: الَّذِي لَا يُقْبَلُ عَثْرَهُ، وَلَا يَقْبَلُ مَعْدِرَهُ، وَلَا يُغْفَرُ ذَنْبًا.

ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُتَيْتُمْ بِشَرِّ مَنْ هَذَا؟

قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: مَنْ لَا يُؤْمِنُ شَرَّهُ، وَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ.

إِنَّ عَهْسَى بِنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ قَامَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَقَالَ:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ! لَا تُحَدِّثُوا بِالْحُكْمِ الْجَهْلَ، فَتُظْلِمُوا، وَلَا تَمْنَعُوا أَهْلَهَا فَتُظْلِمُوهُمْ.

وَلَا تُهَيِّئُوا الظَّالِمَ عَلَى ظُلْمِهِ، فَيَبْطُلَ فَضْلُكُمْ.

سپس فرمود: آیا به شما خبر ندهم که بدترین مردم کیست؟

عرض کردند: چرا؟ ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

فرمود: کسی است که مردم را دشمن دارد و مردم نیز او را دشمن دارند.

سپس فرمود: آیا به بدتر از این آگاهتان نکنم؟

عرض کردند: چرا، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

فرمود: کسی است که از خطایی نمی گذرد، و عذری را نمی پذیرد، و گناهی را نمی بخشد.

سپس فرمود: آیا به بدتر از این خبرتان ندهم؟

عرض کردند: چرا، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

فرمود: کسی است که از شرّش آسودگی نیست، و به خیرش امیدواری نیست.

همانا عیسی بن مریم علیه السلام میان بنی اسرائیل برخاست و فرمود:

ای بنی اسرائیل! حکمت را برای نادانان نگوئید که [اگر بگوئید] به حکمت ستم کرده اید، و آن را از اهلش دریغ مدارید که [اگر دریغ کنید] به آنان ستم کرده اید.

و ستمگر را در ظلمش کمک نرسانید که [اگر کمک کنید] شایستگی [ارزش] خود را نابود کرده اید.

أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ رُشْدُهُ، فَاتَّبِعْهُ،

وَ أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ عَيْبُهُ، فَاجْتَنِبْهُ،

وَ أَمْرٌ اِخْتَلَفَ فِيهِ، فَزِدْهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (١)

ص: ٩٦

---

١- (١) - الأُمَالِي، ص ٣٨١، المجلس ٥٠، ح ١١/٤٨٦؛ و كذا معانى الأخبار، ص ١٩٦، ح ٢ بزيادة واسطه بين سعد، و إبراهيم. و رواه فى من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٠، ح ٥٨٥٨ عن على بن مهزيار، و الحديث قوى كالصحيح على ما قاله المجلسى الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٤٥).

کارها سه گونه اند:

کاری که درستی [و حَقَّائِیت] آن روشن است پس پیرویش کن،

و کاری که نادرستی [و بطلان] آن آشکار است پس دوریش کن،

و کاری که مورد اختلاف [و مبهم] است پس آن را به خدای سبحان برگردان.

ص: ۹۷

أحبكم إلى الله

٣٥ - الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطية، عن عائذ الأحمسي، عن أبي حمزة الثمالي، قال:

قال: زين العابدين علي بن الحسين عليهما السلام:

ألا إن أحبكم إلى الله عز وجل، أحسنكم عملاً.

وإن أعظمكم عند الله خطاً، أعظمكم فيما عند الله رعباً.

وإن أنجى الناس من عذاب الله، أشدهم لله خشيةً.

وإن أقربكم من الله، أوسعكم خلقاً.

وإن أرضاكم عند الله، أشبعكم على عياله.

وإن أكرمكم عند الله، أثقاكم. (١)

ص: ٩٨

---

١- (١) - من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٨، ح ٥٨٨٤. والحديث صحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٩٣).



## محبوبترین شما نزد خدا

ابوحمره ثمالی از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده که فرمود:

آگاه باشید که محبوبترین شما نزد خدای سبحان کسی است که عملش نیکوتر باشد.

و بهره مندترین شما نزد خدا، کسی است که به آنچه در پیشگاه خداست بیشتر راغب باشد.

و نجات یابنده ترین مردم از عذاب خدا، کسی است که خَشیتش از خدا بیشتر باشد.

و نزدیکترین شما به خدا، خوش اخلاق ترین شماست.

و پسندیده ترین شما نزد خدا، گشاده دست ترین شما بر خاندان خود است.

و گرامی ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست.

حِكْمٌ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣٦ - صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ مُوسَى بْنِ بَكْرِ، عَنْ زُرَّارَةَ:

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ:

الصَّيِّعَةُ لَا تَكُونُ صَهِبَةً إِلَّا عِنْدَ ذِي حَسَبٍ، أَوْ دِينٍ.

الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ.

الْحُجُّ جِهَادٌ كُلِّ ضَعِيفٍ.

لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَ زَكَاةُ الْجَسَدِ الصِّيَامُ.

جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ.

اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

مَنْ أَيَقَنَ بِالْخَلْفِ، جَادَ بِالْعَطِيَّةِ.

ص: ١٠٠

## گفتارهایی حکیمانه از امام صادق علیه السلام

زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

احسان و نیکویی، احسان و نیکویی [شایسته] نیست مگر نسبت به کسی که خاندانش بزرگ، یا دیندار باشد.

نماز، وسیله تقرّب هر پارسایی به خداست.

حجّ، جهاد هر ناتوان است.

برای هر چیزی زکاتی است، و زکات تن روزه داری است.

جهاد زن، نیکو شوهرداری است.

با صدقه دادن، روزی را فرود آورید.

کسی که به جایگزینی و عوض خداوندی یقین دارد [خوب]، بذل و بخشش می کند.

ص: ۱۰۱

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُنَزِّلُ الْمَعُونَةَ، عَلَى قَدْرِ الْمُؤْمِنِ.

حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ.

التَّقْلِيدُ نِصْفُ الْعَيْشِ.

مَا عَالَ امْرَأَةٌ اقْتَصَدَ.

قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيُسَارِينِ.

الدَّاعِي بِإِعْمَالِ كَالزَّامِي بِإِلْوَاتِرِ.

التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ.

الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ.

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُنَزِّلُ الصَّبْرَ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبِ.

مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فِخْذِهِ عِنْدَ [الْ] مُصِيبِهِ، حَبَطَ أَجْرُهُ.

مَنْ أَخْزَنَ وَالِدَيْهِ، فَقَدْ عَقَّبَهُمَا. (١)

ص: ١٠٢

---

١- (١) - من لا- يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٦، ح ٥٩٠٤، والحديث قوي كالتصحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضة المتقين، ج ١٣، ص ٢٢٥).

همانا خدای متعال، کمک خود را به اندازهٔ هزینۀها نازل می‌کند.

اموال خود را با پرداختن زکات، مصون دارید.

اندازهٔ نگه داشتن در امور، نصف زندگی است.

هر کس میانه روی کند، نیازمند نخواهد شد.

کمی عائله یکی از دو آسایش است.

کسی که بی عمل، [به نیکی] فراخواند همچون تیراندازی است که کمانش بی چلّه باشد.

آشتی طلبی، نصف عقل است.

غم و اندوه، نصف پیری است.

همانا خدای متعال، صبر را به اندازهٔ مصیبت نازل می‌کند.

هر کس هنگام مصیبت، دست خود را بر رانش زند، پاداش صبر او تباه می‌شود.

هر کس پدر و مادر خود را غمگین کند، عاق آنها شده است.

٣٧ - الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الصَّهْبَانِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادِ الْأَزْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبَانُ الْأَحْمَرُ:

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ:

يَأْبَى أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! عَلِّمْنِي مَوْعِظَةً.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ بِالرِّزْقِ، فَاهْتِمَامُكَ لِمَاذَا؟

وَ إِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا، فَالْحِرْصُ لِمَاذَا؟

وَ إِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا، فَالْجَمْعُ لِمَاذَا؟

وَ إِنْ كَانَ الثَّوَابُ مِنَ اللَّهِ، فَالْكَسْلُ لِمَاذَا؟

ابان احمر گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد:

پدر و مادرم فدایت باد ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! مرا پندی بیاموز.

حضرت فرمود: اگر خدای متعال متکفل روزی توست، پس نگرانی تو برای چیست؟

و اگر روزیها تقسیم شده است، پس حرص ورزیدن برای چیست؟

و اگر حساب الهی حق است، پس جمع مال برای چیست؟

و اگر پاداش از خداست، پس سستی کردن برای چیست؟

وَإِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَقًّا، فَالْبُخْلُ لِمَاذَا؟

وَإِنْ كَانَتِ الْعُقُوبَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ النَّارَ، فَالْمَعْصِيَةُ لِمَاذَا؟

وَإِنْ كَانَ الْمَوْتُ حَقًّا، فَالْفَرَحُ لِمَاذَا؟

وَإِنْ كَانَ الْعَرُضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَقًّا، فَالْمَكْرُ لِمَاذَا؟

وَإِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ عَدُوًّا، فَالْعَقْلُ لِمَاذَا؟

وَإِنْ كَانَ الْمَمْرُ عَلَى الصِّرَاطِ حَقًّا، فَالْعُجْبُ لِمَاذَا؟

وَإِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءٍ وَقَدَرٍ، فَالْحُزْنُ لِمَاذَا؟

وَإِنْ كَانَتِ الدُّنْيَا فَايِنَهُ، فَالطُّمَأْنِينَةُ إِلَيْهَا لِمَاذَا؟ (١)

ص: ١٠٦

---

١- (١) الأملی، ص ٥٦، المجلس ٢، ح ٥/١٢. و رواه أيضاً فی من لا یحضره الفقیه، ج ٤، ص ٣٩٣، ح ٥٨٣٦؛ و التوحید، ص ٣٧٦، ح ٢١؛ والخصال، ص ٤٥٠، ح ٥٥. والحديث موقوف كالصَّيْحِجِ عَلَى مَا قَالَهُ الْمَجْلِسِيُّ الْأَوَّلُ رَحِمَهُ اللَّهُ (رَوْضَةُ الْمُتَّقِينَ، ج ١٣، ص ٩٠).



و اگر جایگزینی [و عوض دادن] از جانب خدای سبحان حقّ است پس بخل ورزیدن برای چیست؟

و اگر عقوبت خدای سبحان آتش است، پس گناه کردن برای چیست؟

و اگر مرگ حقّ است، پس شادمانی [بیجا] برای چیست؟

و اگر عرض اعمال بر خدای سبحان حقّ است، پس نیرنگ ورزیدن برای چیست؟

و اگر شیطان، دشمن است، پس غافل بودن برای چیست؟

و اگر گذشتن بر صراط، حق است، پس خودپسندی برای چیست؟

و اگر هر چیز با قضا و قدر الهی است، پس اندوه برای چیست؟

و اگر دنیا فانی است، پس دل آسودگی به دنیا برای چیست؟

٣٨ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، وَعَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ، جَمَعًا عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِحُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ:

يَا حُمْرَانُ! انظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْصِدِ، وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْصِدِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْنَعُ لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ، وَ  
أَحْرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ مِنْ رَبِّكَ.

وَاعْلَمْ أَنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ عَلَى الْيَقِينِ، أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ.

وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَالْكَفِّ عَنِ أَدَى الْمُؤْمِنِينَ وَاغْتِيَابِهِمْ.

## اندرزهایی از امام صادق علیه السلام

هشام بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که به حمران بن اعین می فرمود:

ای حمران! در توانمندی [و ثروت و دارایی]، به پایین تر از خود بنگر، و به بالا-تر از خود نگاه نکن، زیرا این [روش] تو را به آنچه نصیبت شده قانعتر می سازد، و به فزونی از پروردگارت، شایسته تر می کند.

و بدان که: عمل دائمی اندکی که بر یقین استوار است، نزد خدای سبحان بهتر است از عمل بسیاری که با یقین همراه نباشد.

و بدان که هیچ پارسایی سودمندتر از پرهیز کردن از حرامهای خدا، و بازداشتن خود از آزار و غیبت کردن مؤمنان نیست.

ص: ۱۰۹

وَلَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.

وَلَا مَالَ أَنْفَعَ مِنَ الْفُنُوعِ بِالْيَسِيرِ الْمُجْزِهِ.

وَلَا جَهْلَ أَضْرُّ مِنَ الْعُجْبِ. (١)

ص: ١١٠

---

١- (١) - الكافي، ج ٨، ص ٢٤٤، ح ٣٣٨ و رواه الصدوق رحمه الله في علل الشرائع، ص ٥٥٩، باب ٣٥٢، ح ١ بطريق آخر عن ابن محبوب. والحديث حسن كالصحيح. كذا قال المجلسي رحمه الله (مرآة العقول، ج ٢٦، ص ٢٠٩).

و هیچ زندگی، گواراتر از خوش اخلاقی نیست.

و هیچ مالی، نافعتر از قانع بودن به اندکِ کافی، نیست.

و هیچ نادانی، زیانبارتر از خودپسندی نیست.

ص: ۱۱۱

مواظبُ أُخرى عن الصّادق عليه السلام

٣٩ - الحسَنُ بنُ مَحبوبٍ، عَنِ الهَيْثَمِ بنِ واقدٍ، قال:

سَمِعْتُ الصّادِقَ جَعْفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ عليهما السلام يَقُولُ:

مَنْ أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ ذُلِّ المَعاصِي إِلَى عِزِّ التَّقْوَى، أَغْنَاهُ اللَّهُ بِلا مَالٍ، وَ أَعَزَّهُ بِلا عَشِيرَةٍ، وَ آنَسَهُ بِلا أَهْلٍ.

وَ مَنْ خَافَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ؛ وَ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.

وَ مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْيَسْرِ مِنَ الرِّزْقِ، رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسْرِ مِنَ العَمَلِ.

وَ مَنْ لَمْ يَسْتَحِ مِنَ طَلَبِ المَعاشِ، خَفَّتْ مَوْتُهُ، وَ نَعِمَ أَهْلُهُ.

ص: ١١٢

## پندهایی دیگر از امام صادق علیه السلام

هیثم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود:

خدای سبحان هر کس را از خواری گناهان بیرون آورده به سرافرازی تقوا [نائل گرداند]، او را بدون مال، بی نیاز کند؛ و بدون قبیله، عزّت بخشد؛ و بدون دوست مهربان، سرگرم می کند.

و هر کس از خدای سبحان بترسد، خدا هر چیزی را از او بترساند، و هر کس از خدای سبحان نترسد خدا او را از هر چیزی بترساند.

و هر کس به روزی اندک، از خدای سبحان راضی شود، خدا به عمل اندک از او راضی می شود.

و هر کس از طلب معاش [و کسب حلال] شرم نکند، هزینه اش سبک، و خاندانش در رفاه باشد.

ص: ۱۱۳

وَمَنْ زَهَّدَ فِي الدُّنْيَا، أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ، وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ، وَبَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا، وَأَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا  
إِلَى دَارِ السَّلَامِ. (١)

ص: ١١٤

---

١- (١) - من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٠، ح ٥٨٩٠. والحديث صحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه  
المتقين، ج ١٣، ص ٢٠٢).



و هر کس از دنیا چشم ببوشد، خدا [نور] حکمت را در دلش پایدار کند، و زبانش را به آن گویا سازد، و نسبت به عیبهای دنیا - درد و درمانش - او را بینا سازد، و [سرانجام] او را سالم، از دنیا به دارالسلام (بهشت) بیرون برد.

ص: ۱۱۵

٤٠ - الْحَسَنُ بْنُ مَجْبُوبٍ، عَنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ:

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ وُلْدِهِ:

يَا بُنَيَّ! إِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي مَعْصِيَةِ نَهَاكَ عَنْهَا.

وَإِيَّاكَ أَنْ يَفْقِدَكَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ طَاعِهِ أَمْرَكَبِهَا.

وَ عَلَيْكَ بِالْجِدِّ، وَلَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يُعْبُدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ.

وَإِيَّاكَ وَالْمُزَاحَ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيْمَانِكَ، وَيَسْتَحِفُّ بِمُرُوءَتِكَ.

وَإِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالصَّجَرَ؛ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ حَظَّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (١)

ص: ١١٤

---

١- (١) - من لا- يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٨، ح ٥٨٨٥. و الحديث صحيح على ما قاله المجلسي الأول رحمه الله (روضه المتقين، ج ١٣، ص ١٩٤).

حضرت ابوالحسن امام موسی بن جعفر علیه السلام به برخی از فرزندان خود فرمود:

فرزندم! مبدا خدای سبحان، تو را در معصیتی که از آن بازت داشته ببیند؛

و مبدا خدای متعال، تو را نزد طاعتی که به آن فرمانت داده نیابد.

و بر تو باد که کوشا باشی، و حتماً خود را از تقصیر در عبادت خدا بیرون مبین، زیرا خدای سبحان به آنگونه که حق عبادت اوست پرستش نشود.

و از شوخی بر حذر باش که نور ایمانت را می برد و از جوانمردیت می کاهد.

و از تنبلی و بی تابی پرهیز که این دو از بهره دنیا و آخرت بازت می دارند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ، جَمَعَا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ، قَالَ:

مَا سَمِعْتُ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانَ أَزْهَدَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِلَّا مَا بَلَغَنِي مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ أَبُو حَمْرَةَ: كَانَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا تَكَلَّمَ فِيالزُّهْدِ وَعَظَّ، أَبْكَى مَنْ بِحَضْرَتِهِ.

قَالَ أَبُو حَمْرَةَ: وَقَدْ أَتَتْ صِدْقَةَ فِيهَا كَلَامٌ زُهَيْدٌ مِنْ كَلَامِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَكُتِبَتْ مَا فِيهَا، ثُمَّ أَتَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَعَرَضْتُ مَا فِيهَا عَلَيْهِ، فَعَرَفَهُ وَصَحَّحَهُ؛ وَكَانَ مَا فِيهَا:

## صحیفه ای از امام سجّاد علیه السلام پیرامون زهد

ابوحمزه [ثمالی] گوید: نشنیده ام که کسی زاهدتر از علی بن الحسین علیه السلام باشد مگر - چنانکه خبرم داده اند - علی بن ابیطالب علیه السلام.

امام علی بن الحسین علیه السلام هرگاه پیرامون زهد سخن می گفت و اندرز می داد، هر کس را که در محضرش بود [منقلب کرده] به گریه می انداخت.

ابوحمزه می گوید: نوشته ای را خواندم که در آن، سخنانی درباره زهد از [امام] علی بن الحسین علیه السلام بود، همه را نوشتم، سپس نزد امام علیه السلام آمده آن را بر حضرتش عرضه داشتم، امام علیه السلام آن را شناخته تصحیح فرمود؛ و آن سخنان این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَفَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ كَيْدَ الظَّالِمِينَ، وَبُعَى الحَاسِدِينَ، وَبَطْشَ الجَبَّارِينَ.

أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الطَّوَاغِثُ وَابْتِغَاءُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا، المَائِلُونَ إِلَيْهَا، الْمُفْتَتِنُونَ بِهَا، الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَعَلَى حُطَامِهَا الهَامِدِ، وَهَشِيمِهَا الجَائِدِ غَدًا.

وَاحذَرُوا مَا حَذَرَكُمْ اللَّهُ مِنْهَا، وَازْهَدُوا فِيمَا زَهَدَكُمْ اللَّهُ فِيهِ مِنْهَا.

وَلَا تَزْكُنُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا، رُكُونَ مِنْ اتَّخَذَهَا دَارَ فِرَارٍ وَمَنْزِلَ اسْتِطَانٍ.

وَاللَّهُ إِنَّ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا، عَلَيْهَا [ل] - دَلِيلًا وَتَنْهَاهَا؛ مِنْ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا، وَتَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا، وَمَثَلَاتِهَا، وَتَلَاعُبِهَا بِأَهْلِهَا.

إِنَّهَا لَتَرْفَعُ الخَمَلَ، وَتَضَعُ الشَّرِيفَ، وَتُورِدُ أَقْوَامًا إِلَى النَّارِ غَدًا؛ فَفِي هَذَا مُعْتَبَرٌ وَمُخْتَبَرٌ وَزَاجِرٌ لِمُنْتَبِهٍ.

خدا ما و شما را از مکر ستمگران، و ستم حسدورزان، و یورش ناگهانی جباران نگهدارد.

ای مؤمنان! طاغوت‌ها و پیروانشان - که از راغبان و هوس‌ورزان و شیفتگان به دنیایند، و بر حطامِ کهنه [و پوسیده]، و خشکیده‌های در شُرْفِ نابودیِ آن، روآورده‌اند - شما را گمراه نسازند.

از آنچه خدا شما را از آن بیم داده بر حذر باشید، و از آنچه شما را از آن بازداشته روی بگردانید.

و به آنچه در این دنیاست - بسان کسی که آن را سرای پایدار، و خانه اقامت و زندگی گرفته است - اعتماد نکنید.

به خدا سوگند از آنچه در دنیاست - از گردش ایام، و تنوع دگرگونی‌ها، و حوادث تلخ دورانهای گذشته، و بازیگری با اهل خود - دلیل و هشدارده [کافی]، بر [ناپایداری و بی وفایی] آن برای شما وجود دارد.

این دنیاست که گمنامها را بالا می‌برد و شریفها [ی پرآوازه] را پایین می‌آورد، و فردا [ی بازپسین] گروههایی را در آتش می‌افکند.

پس در این [دگرگونیها] است که جای عبرت آموزی و تجربه یابی، و [نیز] بازدارنده ای برای [هر] هوشمند است.

إِنَّ الْأُمُورَ الْوَارِدَةَ عَلَيْكُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، مِنْ مُظْلِمَاتِ الْفِتَنِ وَحَوَادِثِ الْبِدَعِ وَسَيْنِنِ الْحَوْرِ وَبَوَائِقِ الزَّمَانِ وَهَيْبَةِ السُّلْطَانِ وَ  
وَسُوسَةِ الشَّيْطَانِ، لَتَسْبُطُ الْقُلُوبَ عَنْ تَبَّهَاتِهَا، وَتَذْهَلُهَا عَنْ مَوْجُودِ الْهُدَى وَمَعْرِفَةِ أَهْلِ الْحَقِّ، إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ عَصَمَ اللَّهُ.

فَلَيْسَ يَعْرِفُ تَصَيُّرُفَ أَيَّامِهَا وَتَقَلُّبَ حَالَاتِهَا وَعَاقِبَةَ ضَرَرِ فِتْنَتِهَا، إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ وَنَهَجَ سَبِيلَ الرُّشْدِ وَسَلِكَ طَرِيقَ الْقَضِيدِ ثُمَّ  
اسْتَيْعَانَ عَلَى ذَلِكَ بِالزُّهْدِ، فَكَرَّرَ الْفِكْرَ وَاتَّعَظَ بِالصَّبْرِ؛ فَازْدَجَرَ وَزَهَّدَ فِيهِ عَاجِلِ بَهْجَةِ الدُّنْيَا، وَتَجَافَى عَنْ لَحْذَاتِهَا، وَرَغِبَ فِي  
دَائِمِ نَعْمِهَا الْآخِرَةِ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا، وَرَاقَبَ الْمَوْتَ، وَشَأْنَ الْحَيَاةِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

نَظَرَ إِلَى مَا فِي الدُّنْيَا بِعَيْنِ نَبْرِهِ حَلَاهِدِهِ الْبَصْرِ، وَأَبْصَرَ حَوَادِثَ الْفِتَنِ، وَضَلَالَ الْبِدَعِ، وَجَوَرَ الْمُلُوكِ الظَّالِمَةِ.



همانا اموری که در هر شبانه روز بر شما رو می آورند - از تاریکی های فتنه ها، حوادث [ناشی از] بدعتها، آیین های جور، آفتهای روزگار، هراس از پادشاه و وسوسه شیطان - دلها را از تبه [و بیداری] باز می دارند، و قلوب را از هدایت واقعی و شناخت اهل حق، به فراموشی می افکنند مگر تعداد کمی را که خدا مصونشان داشته است.

پس دگرگونی ایام، و زیر و رو شدن حالات، و سرانجام زیانبار فتنه دنیا را کسی نشناسد مگر آن که خدا نگاهش بدارد، و راه رشد [و هدایت] را بیاید، و راه میانه [و معتدل] را برود، سپس با [زهد در دنیا] بر آن کمک بجوید، و اندیشیدن را پی در پی کند، و با صبر کردن [در سختی ها و مشکلات راه]، پند گیرد، پس [خود را از هوی و هوس] باز دارد، و به شادمانی گذرای دنیا دل نبندد، و از لذات [فنا پذیر] آن کناره گیرد، و شیفته نعمتهای ابدی آخرت باشد و سعی [و تلاش عملی] ویژه آن را انجام دهد، و نگران [لحظه] مرگ [و پس از مرگ] باشد، و زندگی با ستمگران را از دل، نفرت بورزد.

به آنچه در دنیاست با چشم روشن تیزبین نظر کند، و رویدادهای [برخاسته از] فتنه ها، و گمراهی [ناشی از] بدعتها، و ستم پادشاهان ستمگر را ببیند [و بشناسد].

فَلَقَدْ - لَعْمَرِهِ - اسْتَدْبَرْتُمْ الْأُمُورَ الْمَاضِيَةَ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ، مِنَ الْفِتَنِ الْمُرَّاكِمَةِ، وَالْأَنْهَمَاكِ فِيمَا تَسْتَدِلُّونَ بِهِ عَلَيَّ تَجَنُّبِ الْغَوَاهِ،  
وَ أَهْلِ الْبِدْعِ وَالْبَغْيِ وَالْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ بَعْدَ الْحَقِّ؛

فَاسْتَبْهَتُوا بِاللَّهِ، وَارْجِعُوا إِلَيَّ طَاعَةَ اللَّهِ وَ طَاعَةَ مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالطَّاعَةِ مِمَّنْ اتَّبَعَ فَأُطِيعَ.

فَالْحَذَرَ! الْحَذَرَ! مِنْ قَبْلِ النَّدَامَةِ وَالْحُسْرَةِ، وَالْقُدُومِ عَلَى اللَّهِ وَالْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْهِ.

وَ تَاللَّهِ، مَا صَدَرَ قَوْمٌ قَطُّ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا إِلَيَّ عَذَابِهِ.

وَ مَا آتَرَ قَوْمٌ قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ وَسَاءَ مَصِيرُهُمْ.

وَ مَا الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَالْعَمَلُ، إِلَّا الْفَانِ مُؤْتَلِفَانِ؛ فَمَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَهُ، وَ حَثَّهُ الْخَوْفُ عَلَى الْعَمَلِ بِطَاعَةِ اللَّهِ.

وَ إِنَّ أَرْبَابَ الْعِلْمِ وَ أَتْبَاعَهُمْ، الَّذِينَ عَرَفُوا اللَّهَ فَعَمِلُوا لَهُ وَ رَغِبُوا إِلَيْهِ؛ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ:

به جانم سوگند سرانجام [تلخ] کارهای انجام گرفته در روزگاران گذشته را - از فتنه های انباشته، و فرو رفتن در آن [زشتیها و ستمها] که با آن، بر فاصله گرفتن از گمراهان و بدعتگذاران و ستمگران و به ناحق فسادگران در زمین، دلیل [کافی] دارید - دیدید [و پشت سر نهادید]؛

پس اینک از خدا کمک بخواهید، و به فرمان او و فرمان کسی که به پیروی شدن شایسته تر از این [بناحق] پیروی شدگان و اطاعت شده گان است، باز گردید.

هشدار! هشدار! [که]: پیش از [روز] پشیمانی و حسرت، و [روز] ورود بر خدا و ایستادن در پیشگاه حضرتش [از خواب گران برخیزند و توبه کنید].

به خدا سوگند هرگز مردمی از کنار معصیت خدا جز به عذابش برنگشتند. و هرگز مردمی دنیا را بر آخرت برتری ندادند مگر آنکه بازگشتگاه و سرانجامشان بد [و ناهنجار] شد.

و خداشناسی و عمل، جز دو دوست هماهنگ نیستند، پس هر کس خدا را بشناسد از او می ترسد، و این ترس، او را بر عمل به فرمان خدا بر می انگیزد.

□  
و حَقًّا که صاحبان علم و پیروانشان، کسانیند که خدا را شناختند، و برای او عمل کردند، و به زاری از او [نیاز و نجات] خواستند که خدا فرمود:

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (١).

فَلَا تَلْتَمِسُوا شَيْئًا مِمَّا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَاشْتَغِلُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَاعْتَمِدُوا أَيَّامَهَا، وَاسْعَوْا لِمَا فِيهَا نَجَاتُكُمْ غَدًا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْلٌ لِلتَّبَعِ، وَ أَذْنَى مِنَ الْعُذْرِ، وَ أَرْجَى لِلنَّجَاهِ.

فَقَدِّمُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ طَاعَةَ مَنْ أَوْجَبَ اللَّهُ طَاعَتَهُ بَيْنَ يَدَيْ الْأُمُورِ كُلِّهَا.

وَ لَا تَقَدِّمُوا الْأُمُورَ الْوَارِدَةَ عَلَيْكُمْ، مِنْ طَاعَةِ الطَّوَاعِثِ مِنْ زَهْرَةِ الدُّنْيَا، بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ وَ طَاعَةَ أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ عَهْدُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ مَعَكُمْ؛ يَحْكُمُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَيْنَا وَ عَلَيْنَا سَيِّدٌ حَقِّكُمْ غَدًا، وَ هُوَ مُوقِفُكُمْ وَ مُسَائِلُكُمْ؛ فَأَعِدُّوا الْجَوَابَ قَبْلَ الْوُقُوفِ وَ الْمُسَائِلَةِ وَ الْعَرْضِ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ يَوْمَئِذٍ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ.

ص: ١٢٤

«از بندگان خدا تنها عالمانند که از او می ترسند».

پس چیزی از آنچه را که در این دنیاست با معصیت خدا نجویید، و در این دنیا به اطاعت خدا رو آورید، و روزهای آن را غنیمت بشمرید، و برای آنچه که فردا نجاتتان از عذاب خدا در آن است بکوشید، زیرا این پیامدش کمتر، و به عذر [پذیری] نزدیکتر، و برای نجات [و رستگاری] امیدبخش تر است.

در پیشاپیش همه کارهای خود، امر خدا و پیروی از کسی را که خدا واجب فرموده است، مقدم بدانید.

و اموری را که بر شما رو آورده اند - از [قبیل] پیروی طاغوت ها از شادابی و فریبایی دنیا بر خدا و طاعت او و طاعت اولوالأمر، مقدم ندارید.

و بدانید که شما بندگان خدایید، و ما [نیز] با شما ایم، فردا [ی بازپسین] بر ما و شما، سروری فرمانروا حکم می راند، و اوست که [در موقف حساب] باز دارنده و پرسشگر شماست، پس پیش از بازداشت و پرسش و حضور در محضر پروردگار عالمیان، پاسخ [های خود] را آماده کنید، در آن روز کسی جز با اذن او سخن نگوید.

ص: ۱۲۷

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يُصَدِّقُ يَوْمَئِذٍ كَاذِبًا، وَلَا يَكْذِبُ صَادِقًا، وَلَا يَرُدُّ عُدْرَ مُسْتَحِقٍّ، وَلَا يَعْذِرُ غَيْرَ مَعذُورٍ؛ لَهُ الْحُجَّةُ عَلَى خَلْقِهِ بِالرُّسُلِ،  
وَالْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ الرُّسُلِ.

فَاتَّقُوا اللَّهَ، عِبَادَ اللَّهِ! وَاسْتَقْبِلُوا فِيهِ إِصْلَاحَ أَنْفُسِكُمْ، وَطَاعَةَ اللَّهِ، وَطَاعَةَ مَنْ تَوَلَّوْنَهُ فِيهَا.

لَعَلَّ نَادِمًا قَدْ نَدِمَ فِيمَا فَرَطَ بِالْأَمْسِ فِيهِ جَنْبِ اللَّهِ، وَصَيَّعَ مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ.

وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَتُوبُوا إِلَيْهِ؛ فَإِنَّهُ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ، وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَةِ، وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ.

وَإِيَّاكُمْ وَصُحْبَةَ الْعَاصِينَ، وَمَعُونَةَ الظَّالِمِينَ، وَمُجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ. اخْذَرُوا فِتْنَتَهُمْ، وَتَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ.

وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ خَالَفَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، وَدَانَ بِغَيْرِ دِينِ اللَّهِ، وَاسْتَبَدَّ بِأَمْرِهِ دُونَ أَمْرِ وَلِيِّ اللَّهِ، كَانَ فِيهِ

و بدانید که در آن روز، خدا هیچ دروغگویی را تصدیق، و هیچ راستگویی را تکذیب نمی کند، و عذر هیچ شایسته ای را رد نمی کند، و عذر هیچ [ناشایست و] غیر معذوری را نمی پذیرد، این اوست که به وسیله پیامبران و اوصیای پیامبران، بر بندگان خود حجت دارد.

پس ای بندگان خدا! از خدا بترسید و بر اصلاح خودتان، و [نیز بر] اطاعت خدا و [بر] فرمانبری از کسی که در پیروی از خدا او را ولی خود گرفته اید، رو آورید.

باشد که نادمی، نسبت به آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیده، و از حقوق او تباه ساخته است، سخت پشیمان باشد.

و از خدا آمرزش بخواهید، و به سوی او توبه کنید که او توبه را می پذیرد، و از بدیها می گذرد، و آنچه را انجام می دهید می داند.

و مباد شما را، همراهی گنهکاران، و یاری ستمگران، و همنشینی فاسقان. از فتنه ایشان پرهیزید، و از سمت و سوی آنان دوری بجوئید.

و بدانید که هر کس با اولیای خدا مخالفت ورزد، و به غیر از دین خدا آیینی گزیند، و به امر خود - نه امر ولی خدا - پایبند

نَارٍ تَلْتَهُبُ؛ تَأْكُلُ أَيْدِيَنَا قَدْ غَابَتْ عَنْهَا أَرْوَاحُهَا، وَغَلَبَتْ عَلَيْهَا شِقْوَتُهَا؛ فَهُمْ مَوْتَى، لَا يَجِدُونَ حَرَّ النَّارِ؛ وَلَوْ كَانُوا أَخْيَاءً لَوَجَدُوا مَضَضَ حَرِّ النَّارِ.

وَاعْتَبِرُوا، يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ! وَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ.

وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ قُدْرَةِ اللَّهِ إِلَيَّ غَيْرَ قُدْرَتِهِ، وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ فَانْتَفِعُوا بِالْعِظَةِ، وَتَأَدَّبُوا بِآدَابِ الصَّالِحِينَ. (١)

ص: ١٣٠

---

١- (١) - الكافي، ج ٨، ص ١٤، ح ٢. والحديث صحيح. كذا قال المجلسي رحمه الله (مرآة العقول، ج ٢٥، ص ٢٩).



باشد، در آتشی است که زبانه می کشد، آتشی که بدنهایی را می خورد که [گویا] روحهایشان از ایشان غایند، و شقاوتشان بر ایشان چیره است، پس آنان [در حقیقت] مرده هاینند که حرارت آتش را نمی فهمند، و چنانچه زنده بودند، درد و رنج حرارت آتش را احساس می کردند.

ای صاحبان بصیرت! عبرت بگیرید، و خدا را بر آنچه هدایتتان فرموده سپاس گوئید.

و بدانید که شما از [قلمرو] قدرت خدا به غیر آن، بیرون نمی روید، و به زودی خدا و پیامبرش عمل شما را خواهند دید، سپس به سوی خدا محشور می شوید، پس از اندرزهها سود جوئید و از آداب صالحان، ادب آموزید.

ص: ۱۳۱

- ١ - قرآن كريم
- ٢ - الاعتقادات، شيخ صدوق رحمه الله / مطبعه علميه، قم.
- ٣ - الأمالی شيخ صدوق رحمه الله / مؤسسه البعثه، قم.
- ٤ - كتاب البيع، امام خميني قدس سره / مطبعه مهر، قم.
- ٥ - التوحيد، شيخ صدوق رحمه الله / مكتبه الصدوق، تهران.
- ٦ - تهذيب الاحكام، شيخ طوسي رحمه الله / دارالكتب الاسلاميه، تهران.
- ٧ - ثواب الاعمال، شيخ صدوق رحمه الله / مكتبه الصدوق، تهران.
- ٨ - كتاب الخصال، شيخ صدوق رحمه الله / انتشارات جامعه مدرسين.
- ٩ - روضه المتقين، مولى محمد تقى مجلسى / بنياد فرهنگ اسلامى، تهران.
- ١٠ - علل الشرايع، شيخ صدوق رحمه الله / المطبعه الحيدريه، نجف.
- ١١ - عيون اخبار الرضا، شيخ صدوق رحمه الله / المطبعه الحيدريه نجف.
- ١٢ - مجمع البحرين، طريحي رحمه الله / دفتر نشر فرهنگ اسلامى، تهران.
- ١٣ - الكافى، ثقة الاسلام كلينى رحمه الله / دارالكتب الاسلاميه، تهران.
- ١٤ - مرآه العقول، علامه محمد باقر مجلسى رحمه الله / دارالكتب الاسلاميه، تهران.
- ١٥ - معانى الاخبار، شيخ صدوق رحمه الله / انتشارات جامعه مدرسين، قم.
- ١٦ - ملاذ الاخيار، علامه محمد باقر مجلسى رحمه الله / مكتبه آيه الله العظمى مرعشى، قم.
- ١٧ - من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق رحمه الله / انتشارات جامعه مدرسين، قم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

